فارسي

خلاصه ای در عقیدۀ اسلامی

نوشتۀ شیخ علامه

محمد بن صالح العُثيمين
غفر الله له ولوالديه وللمسلمين

1929 - 2001

Islamhouse.com

المحتـوى الإسـلامـي

خلاصه ای در عقیدهٔ اسلامی

نوشتهٔ شیخ علامه

محمد بن صالح العُثیمین

غفر الله له ولوالدیه وللمسلمین

*

شركاء التنفيذ:

دار الإسلام جمعية الربوة رواد الترجمة المحتوى الإسلامي

Telephone: +966114454900
ceo@rabwah.sa
P.O.BOX: 29465
RIYADH: 11557
www.islamhouse.com

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

*

ستایش از آن الله است، حمد او را می گوییم، و از او یاری و آمرزش می خواهیم، و به درگاهش توبه می کنیم، و از بدی های نفس خویش، و کارهای ناشایست خود به الله پناه می بریم، الله هر که را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت، و هرکه را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت، و گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله، که یگانه و بی شریک است، و گواهی می دهم که محمد بنده و پیامبر اوست، درود و سلام بسیار الله بر او و بر آل و اصحابش، و همۀ کسانی باید که به نیکی از آنان پیروی کنند.

اما بعد» :علم توحید «گرامی ترین و گرانبهاترین علوم و واجب ترین مطلوب است، زیرا این علم، علمِ به الله تعالی و نامها و صفات و حقوق او بر بندگان است، و کلید مسیر به سوی الله تعالی، و بنیان شرایع اوست.

بر این اساس، همۀ پیامبران یکصدا به سوی آن فرا خوانده اند .الله تعالی می فرماید:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ٢٥﴾ [الأنبياء: 25]

{و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آن که به او وحی کردیم که : معبودی[به حق] جز من نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید } [انبیاء :25] و الله خود شهادت به یگانگی اش داده، و ملائکه و علما نیز به همین گواهی داده اند .الله تعالی می فرماید :

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ١٨﴾ [آل عمران: 18]

{الله، که[در جهان هستی]برپادارندۀ عدل است، گواهی داده است که معبودی[به حق]جز او نیست، و فرشتگان و علما[نیز بر یگانگی و عدالتِ الهی

گواهی می دهند]معبودی[به حق]جز او نیست[که]شکست ناپذیرِ حکیم است [}آل عمران18] :

و از آنجایی که منزلت توحید چنین است، بر هر مسلمانی لازم است که به یاد گرفتن و یاد دادن و اندیشیدن و اعتقاد به آن اهمیت دهد، تا دینش را بر بنیانی درست، و اطمینان و تسلیم بنا نهاده باشد؛ و با ثمرات و نتایج آن سعادتمند شود.

والله ولی التوفیق

مولف

*

دین اسلام

دین اسلام :همان دینی است که الله محمد - صلی الله علیه وسلم - را با آن فرستاد و ادیان را با آن خاتمه داد، و آن را برای بندگانش کامل کرد، و به واسطه اش نعمت را بر آنان به اتمام رساند، و به عنوان دین برایشان پسندید، پس از هیچکس جز این دین را نخواهد پذیرفت .الله تعالی می فرماید:

﴿مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٖ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّـۧنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ٤٠﴾ [الأحزاب: 40]

{محمد - صلی الله علیه وسلم - پدر هیچ یک از مردان شما نیست، بلکه فرستادۀ الله به سوی مردم، و خاتم پیامبران] که هیچ پیامبری پس از او نخواهد آمد [است، و الله از هر چیزی آگاه است}   [احزاب :40]

و الله تعالی می فرماید:

﴿حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةُ وَٱلدَّمُ وَلَحۡمُ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦ وَٱلۡمُنۡخَنِقَةُ وَٱلۡمَوۡقُوذَةُ وَٱلۡمُتَرَدِّيَةُ وَٱلنَّطِيحَةُ وَمَآ أَكَلَ ٱلسَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيۡتُمۡ وَمَا ذُبِحَ عَلَى ٱلنُّصُبِ وَأَن تَسۡتَقۡسِمُواْ بِٱلۡأَزۡلَٰمِۚ ذَٰلِكُمۡ فِسۡقٌۗ ٱلۡيَوۡمَ يَئِسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن دِينِكُمۡ فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِۚ ٱلۡيَوۡمَ

أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ فِي مَخۡمَصَةٍ غَيۡرَ مُتَجَانِفٖ لِّإِثۡمٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣﴾ [المائدة: 3]

{امروز دینتان را برایتان کامل ساختم و نعمتم را بر شما به کمال رساندم و برای شما اسلام را] به عنوان دین [پسندیدم] {مائده.[3 :

و الله تعالی می فرماید :

﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٩﴾ [آل عمران: 19]

{همانا دین] حق [نزد الله، اسلام است] {آل عمران: 19] و الله تعالی می فرماید:

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥﴾ [آل عمران: 85]

{و هر کس دینی غیر از اسلام بر گزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت از زیانکاران است] {آل عمران :85]

الله تعالی بر همهٔ مردم این را فرض نموده که با این دین عبادت الله را انجام دهند، و پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - را چنین مورد خطاب قرار داده کهز

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ جَمِيعًا ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ ٱلنَّبِيِّ ٱلۡأُمِّيِّ ٱلَّذِي يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَكَلِمَٰتِهِۦ وَٱتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ١٥٨﴾ [الأعراف: 158]

{بگو :ای مردم !من فرستادهٔ الله به سوی همهٔ شما هستم، آن پروردگاری که فرمانروایی آسمانها و زمین از آنِ اوست، معبود] راستینی [جز او نیست، زنده می کند، و می میراند، پس به الله و فرستاده اش آن پیامبر» أمّی) «درس ناخوانده (که به الله و کلماتش ایمان دارد، ایمان بیاورید، و از او پیروی کنید؛ باشد که هدایت شوید {]اعراف158 : [

و در صحیح مسلم از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند» :سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، هیچ کسی از این امت یهودی باشد یا نصرانی] خبر مبعث [من را نمی شنود سپس وفات کند و به آنچه که برای آن فرستاده شده ام ایمان نیاورد مگر او از اصحاب دوزخ خواهد بود.«

ایمان به او یعنی :باور به آنچه او آورده همراه با پذیرش و گردن نهادن به آن نه صرفا راستگو شمردنش؛ بر این اساس ابوطالب با وجود آنکه سخن او را تصدیق نمود و گواهی داد که دین او از بهترین ادیان است، مؤمن به او به حساب نمی آید] زیرا از پذیرش این دین سر باز زد.[

و دین اسلام همهٔ مصالح و نیکی هایی که ادیان پیشین داشتند را در خود دارد، و علاوه بر این دارای این ویژگی است که برای هر زمان و مکان و ملتی مناسب است .الله تعالی خطاب به پیامبرش می فرماید :

﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِۖ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ لِكُلّٖ جَعَلۡنَا مِنكُمۡ شِرۡعَةٗ وَمِنۡهَاجٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَكُمۡ فِي مَآ ءَاتَىٰكُمۡۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ٤٨﴾ [المائدة: 48]

{و ما این کتاب را به حق به سوی تو نازل کردیم در حالی که تصدیق کنندهٔ کتابهای پیشین و حاکم] و چیره [بر آنهاست] {مائده : 48]

و معنای این که برای هر زمان و مکان و امتی مناسب است، این است که :تمسک به آن با منافع امت در هیچ دوران و مکانی در تضاد نیست، بلکه به صلاح آن است، نه اینکه هر زمان و مکان و ملتی بر آن حاکم است،] تا هر طور که می خواهد در آن تغیر ایجاد کند [آنطور که برخی از مردم گمان می کنند.

دین اسلام همان دین برحقی است که الله ضمانت نموده هر کس را که به درستی به آن تمسک جسته یاری دهد، و بر غیر او پیروز گرداند .الله تعالی می فرماید :

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ ٩﴾ [الصف: 9]

}او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همهٔ دین ها غالب گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند] {صف .[9 :و الله تعالی می فرماید :

﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَيَسۡتَخۡلِفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ كَمَا ٱسۡتَخۡلَفَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمۡ دِينَهُمُ ٱلَّذِي ٱرۡتَضَىٰ لَهُمۡ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعۡدِ خَوۡفِهِمۡ أَمۡنٗاۚ يَعۡبُدُونَنِي لَا يُشۡرِكُونَ بِي شَيۡـٔٗاۚ وَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٥٥﴾ [النور: 55]

}الله به افرادی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین] مشرکان [می سازد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند] نیز [جانشین] کافران و ستمگران [نمود؛ و دینشان را که برای آنان پسندیده است، حتما برایشان استوار] و پیروزمند [می سازد و یقینا ترسشان را به آرامش و امنیت تبدیل می کند؛] چرا که [تنها مرا عبادت می کنند و چیزی را با من شریک نمی سازند؛ و هر کس از این پس کفر بورزد، ایناننند که فاسقند] {نور : 55].

دین اسلام، هم عقیده است و هم شریعت و در عقیده و شریعت) قوانین (خود کامل است:

-1امر به توحید الله تعالی نموده و از شرک باز می دارد.

-2به راستی امر می کند و از دروغ نهی می کند.

-3به عدالت امر می کند و از ستم نهی می کند، و عدالت یعنی برابری میان چیزهای همانند و تفاوت گذاری بین متفاوت ها، و عدل به معنای برابری مطلق نیست آنطور که بعضی از مردم می گویند :دین اسلام دین برابری است و این را به شکل مطلق می گویند، زیرا برابری میان متفاوت ها نوعی ستم است که اسلام به آن قائل نیست، و کسی که چنین می کند کارش پسندیده نیست.

-4به امانتداری امر می کند و از از خیانت نهی می کند.

-5به وفاداری امر می کند و از خیانت باز می دارد.

-6به نیکی در حق والدین امر می کند و از عقوق) بدرفتاری (با آنان باز می دارد.

-7به صلهٔ رحم یعنی پیوند با خویشاوندان امر می کند و از قطع رابطه با آنان نهی می کند.

-8به حُسن همسایگی امر می کند، و از بدی در حق همسایه باز می دارد.

و به طور کلی :اسلام به هر اخلاق نیکی امر می کند، و از هر اخلاق پستی باز می دارد، و به هر کار نیکی امر می کند، و از هر کار بدی نهی می کند.

الله تعالی می فرماید :

﴿۞ إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٩٠﴾ [النحل: 90]

}به راستی الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و منکر و ستم نهی می کند، و شما را پند می دهد؛ شاید متذکر شوید] {نحل.[90 :

*

ارکان اسلام

ارکان اسلام :یعنی بنیان هایی که اسلام بر آن بنا شده است .این ارکان پنج رکن است : همهٔ این ارکان در حدیثی که ابن عمر - رضی الله عنهما - از پیامبر - صلی الله علیه وسلم -روایت کرده آمده است» :اسلام بر پنج] بنیان [بنا شده است :شهادت دادن به اینکه معبودی به حق نیست جز الله، و اینکه محمد بنده و پیامبر اوست، و برپا داشتن نماز، و دادن زکات، و روزهٔ رمضان و حج «مردی گفت :حج و روزهٔ رمضان؟ گفت» :نه، روزهٔ رمضان و حج «من این را اینگونه از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شنیدم.

-1اما گواهی دادن به اینکه معبودی به حق جز الله نیست، و به اینکه محمد بنده و پیامبر اوست یعنی :اعتقاد قاطعی که به زبان گفته شود و این قاطعیت چنین است که انگار دارد به آن گواهی می دهد و شاهد آن است، این شهادت یک رکن به حساب

آمده با وجود آنکه مشهود به در اینجا متعدد است،) هم شهادت به یگانی الله است و هم شهادت به بندگی و پیامبر محمد (و این ممکن است به چند دلیل باشد:

یا برای آن است که پیامبر از سوی الله تعالی مبلغ است، بنابراین شهادت دادن به او برای بندگی و رسالتش از کمال شهادت لا اله الا الله است.

یا چون :این دو شهادت اساس درستی اعمال و پذیرش است؛ زیرا عمل درست نیست و پذیرفته نمی شود، مگر با اخلاص به الله تعالی و پیروی از پیامبرش صلی الله علیه وسلم.

با اخلاص به الله تعالی است که شهادت لا اله الا الله محقق می شود و با پیروی از رسول الله، شهادت محمد عبده و رسوله محقق می گردد.

از ثمرات والای این شهادت بزرگ :آزاد شدن دل و نفس از بندگی مخلوقات، و پیروی غیر پیامبران است.

-2واما برپا داشتن نمازها :یعنی عبادت الله با انجام نماز به شکل درست و کامل در اوقاتش، و به همان شکل درستش.

از جمله ثمرات نماز :گشودگی سینه، و روشنی چشم، و باز داشتن از فحشا و منکر.

-3واما دادن زکات :یعنی عبادت الله با دادن آن بخش مشخص واجب از اموال زکاتی.

از جمله ثمرات زکات :پاک شدن نفس از اخلاق پست» بخل «و برطرف ساختن نیاز اسلام و مسلمانان.

-4واما روزۀ رمضان :یعنی انجام بندگی الله با دست نگه داشتن از باطل کننده های روزه در روز رمضان.

از ثمرات روزه :عادت دادن نفس به ترک آنچه دوست دارد؛ برای کسب خشنودی الله عزوجل.

-5واما حج کعبه :یعنی انجام بندگی الله با قصد نمودن بیت الله الحرام؛ به هدف انجام شعایر حج.

از جمله ثمرات حج :عادت دادن نفس به بذل تلاش مالی و بدنی در راه طاعت الله تعالی؛ برای همین حج نوعی از جهاد در راه الله است.

آنچه از ثمرات این ارکان بیان نمودیم و دیگر ثمراتی که ذکر نکردیم همه باعث می شود امت اسلام پاک و خالص شوند، و با دین حق عبادت الله را انجام دهند، و بر اساس عدالت و راستی با مردم رفتار کنند .زیرا دیگر شرایع در صورتی به صلاح می آید که این بنیان ها درست باشند، و اوضاع امت با صلاح امر دینشان به صلاح و نیکویی می آید، و به همان اندازه که در امور دین خود از این صلاح به دور باشند، اوضاعشان نیز از شایستگی دور می گردد .و هر که خواهان روشن شدن این امر است، این سخن حق تعالی را بخواند که می فرماید :

﴿وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡقُرَىٰٓ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَفَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَرَكَٰتٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِن كَذَّبُواْ فَأَخَذۡنَٰهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٩٦ أَفَأَمِنَ أَهۡلُ ٱلۡقُرَىٰٓ أَن يَأۡتِيَهُم بَأۡسُنَا بَيَٰتٗا وَهُمۡ نَآئِمُونَ ٩٧ أَوَأَمِنَ أَهۡلُ ٱلۡقُرَىٰٓ أَن يَأۡتِيَهُم بَأۡسُنَا ضُحٗى وَهُمۡ يَلۡعَبُونَ ٩٨ أَفَأَمِنُواْ مَكۡرَ ٱللَّهِۚ فَلَا يَأۡمَنُ مَكۡرَ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٩٩﴾ [الأعراف: 96-99]

}اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می ساختند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند پس به] کیفر [دستاوردشان] گریبان [آنان را گرفتیم * آیا ساکنان شهرها ایمن شده اند از اینکه عذاب ما شامگاهان در حالی که به خواب فرو رفته اند به آنان برسد؟ * و آیا ساکنان شهرها ایمن شده اند از اینکه عذاب ما نیمروز در حالی که به بازی سرگرمند به ایشان در رسد؟ * آیا خود را از مکر الله ایمن دانسته اند] با آنکه [جز مردم زیانکار] کسی [خود را از مکر الله ایمن نمی داند] {اعراف.[99-96 :

و تاریخ پیشینیان را بنگرد؛ زیرا تاریخ عبرت صاحبان خرد و بصیرتی است برای کسانی که بر دلهایشان پرده افتاده، و الله المستعان.

*

بنیان های عقیدۀ اسلامی

دین اسلام . چنانکه قبلا بیان کردیم . هم عقیده و باور است و هم شریعت و قانون، و قبلا به برخی از شرایع آن اشاره کردیم، و ارکانی را بیان کردیم که اساس شرایع آن است.

اما عقیدهٔ اسلامی، بنیانهایش این است :ایمان به الله، و ملائکهٔ او، و کتابهایش، و پیامبرانش، و آخرت، و تقدیر :خیر و شر آن.

کتاب الله و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - دال بر این ارکان است.

در کتاب الله آمده است :

﴿۞ لَّيۡسَ ٱلۡبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ قِبَلَ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلۡكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ وَءَاتَى ٱلۡمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلۡمُوفُونَ بِعَهۡدِهِمۡ إِذَا عَٰهَدُواْۖ وَٱلصَّٰبِرِينَ فِي ٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلۡبَأۡسِۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ ١٧٧﴾ [البقرة: 177]

}نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سمت مشرق و مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به الله و روز بازپسین و ملائکه و کتاب] های آسمانی [و پیامبران امیان آورد] {بقره[177 :، و دربارهٔ قَدَر می فرماید :

﴿إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ ٤٩ وَمَآ أَمۡرُنَآ إِلَّا وَٰحِدَةٞ كَلَمۡحِۭ بِٱلۡبَصَرِ ٥٠﴾ [القمر: 49-50]

}ما هر چیزی را بر اساس قدر) اندازه گیری (آفریده ایم * و فرمان جز یک بار نیست] آن هم [چون چشم به هم زدنی] {قمر .[50-49 :و در سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمده است که ایشان در پاسخ به جبرئیل هنگامی که دربارهٔ ایمان پرسیدند، فرمود» :ایمان :این است که به الله، و ملائکهٔ او، و کتابهایشان، و پیامبرانش، و به روز بازپسین ایمان آوری، و به تقدیر ایمان آوری، خیر آن و شر آن.«

*

ایمان به الله تعالی

ایمان به الله چهار امر را در خود دارد:

امر نخست :ایمان به وجود الله:

فطرت، و عقل، و شرع، و حس، دال بر وجود الله تعالی است.

1- دلالت فطرت بر وجود او سبحانه و تعالی:

هر مخلوقی بر اساس فطرت خود چنین سرشته شده که بدون اندیشهٔ پیشین یا آموزش به خالق خود ایمان دارد، و کسی از مقتضای این فطرت منحرف نمی شود مگر به سبب] یک عامل خارجی [که دلش را از آن منحرف سازد؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید» :هیچ نوزادی نیست مگر آنکه بر فطرت به دنیا می آید، اما این پدر و مادر اویند که او را یهودی، یا نصرانی، یا مجوسی، بار می آورند.«

2- دلالت عقل بر وجود الله تعالی:

همهٔ این آفریدگان پیشین و آینده همه ناگزیر باید آفریدگاری داشته باشند؛ زیرا ممکن نیست که خودشان، خود را به وجود آورده باشند یا تصادفا به وجود آمده باشند.

نمی توانند خودشان را به وجود آورند؛ زیرا یک چیز خودش را نمی آفریند؛ چون پیش از وجودش عدم بود و عدم چگونه می تواند خالق باشد؟

و ممکن نیست که تصادفی به وجود آمده باشد، زیرا هر حادثی نیازمند یک مُحدِث است، و از سوی دیگر وجود آن با این نظم و ترتیب بدیع و هماهنگی کامل و ارتباط پیچیده بین اسباب و مسببات و بین موجودات با یکدیگر، به طور قاطع وجود تصادف را نفی می کند؛ زیرا آنچه تصادفی به وجود آمده در اصل وجود خود نظام مند نیست، چگونه ممکن است در بقا و تکاملش منظم بماند؟!

و اگر به وجود آمدن این مخلوقات توسط خود یا به واسطهٔ تصادف غیر ممکن باشد، لازم است که به وجود آورنده ای داشته باشند؛ و آن به وجود آورنده همان الله پروردگار جهانیان است.

الله تعالی این دلیل عقلی و برهان قطعی را در سورهٔ طور بیان کرده؛ و می فرمایند:

﴿أَمۡ خُلِقُواْ مِنۡ غَيۡرِ شَيۡءٍ أَمۡ هُمُ ٱلۡخَٰلِقُونَ ٣٥﴾ [الطور: 35]

} **آیا از هیچ چیز آفرید شده اند یا آنکه خود خالق] خود [هستند؟] {طور :۳۵.]** یعنی :آنان بدون خالق به وجود نیامده اند، و خود نیز خود را نیافریده اند؛ در نتیجه لازم است که الله تعالی آفریدگار آنان باشد .برای همین هنگامی که جُبیر بن مطعم .رضی

الله عنه. آیات سورهٔ طور را از رسول الله. صلی الله علیه وسلم. شنید و به آن آیه رسید که:

﴿أَمۡ خُلِقُواْ مِنۡ غَيۡرِ شَيۡءٍ أَمۡ هُمُ ٱلۡخَٰلِقُونَ ٣٥ أَمۡ خَلَقُواْ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ٣٦ أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَبِّكَ أَمۡ هُمُ ٱلۡمُصَيۡطِرُونَ ٣٧﴾ [الطور: 35-37]

}آیا از هیچ چیز آفرید شده اند یا آنکه خود خالق [خود [هستند؟ * یا آسمانها و زمین را] آنان [خلق کرده اند] نه [بلکه یقین ندارند * یا گنجینه های پروردگار تو پیش آنهاست یا ایشان تسلط] تام [دارند] {طور.[35-37 :

و او هنوز مشرک بودند، گفت» :نزدیک بود دلم به پرواز آید، و این آغازِ جا افتادن ایمان در دل من بود.«

برای توضیح، مثالی می آوریم :اگر کسی دربارهٔ کاخ پرشکوهی به تو بگوید، که باغ هایی آن را در بر گرفته، و در میان آن باغ ها رودها روان است، و این کاخ پر از فرش ها و پرده ها و زینت های پرشماری است که آن را کامل کرده است، سپس او به تو بگوید :این قصر و همهٔ کمالی که در آن است، توسط خودش به وجود آمده، یا همینطور تصادفی ایجاد شده؛ فورا حرفش را انکار و سخنش را تکذیب می کنی، و آن را سخنی احمقانه خواهی دانست .آیا پس از این می توان گفت که این هستی گسترده با زمین و آسمان و افلاک و احوال و نظم بدیع شگفت آورش، خودش، خودش را به وجود آورده باشد یا بدون پدید آورنده ای، تصادفی به وجود آمده باشد؟

3- !اما دلالت شرع بر وجود الله تعالی:

همهٔ کتابهای آسمانی ناطق به همین حقیقتند، و احکام عادلانه ای که مصلحت خلق را در خود دارد دلیل بر این است که از سوی پروردگاری حکیمی آمده که نسبت به مصلحت بندگانش آگاه است، و اخباری که] این کتابهای آسمانی [دربارهٔ هستی بیان نموده و واقع دال بر درستی آن بوده است، دال بر این است که از سوی پروردگاری است که قادر بر ایجاد چیزی است که درباره اش خبر داده است.

4- اما دلالت حس بر وجود الله؛ بر دو وجه است:

نخست اینکه :ما دربارۀ اجابت دعای دعاکنندگان می شنویم و این را می بینیم، و فریادرسی سختی دیدگان را نیز می بینیم و می شنویم، و این دلیلی است قاطع بر وجود او تعالی .الله سبحانه و تعالی می فرماید :

﴿وَنُوحًا إِذۡ نَادَىٰ مِن قَبۡلُ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَنَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ٧٦﴾ [الأنبياء: 76]

}و نوح را آن هنگام که قبلا] ما را به دعا [فرا خواند، پس او را استجابت کردیم {]انبیا [76 :و الله تعالی می فرماید :

﴿إِذۡ تَسۡتَغِيثُونَ رَبَّكُمۡ فَٱسۡتَجَابَ لَكُمۡ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلۡفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُرۡدِفِينَ٩﴾ [الأنفال: 9]

[}به یاد آوردی [زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می طلبیدید پس دعای شما را اجابت کرد] {انفال.[9 :

در صحیح بخاری آمده که انس بن مالک . رضی الله عنه . گفت :مردی اعرابی روز جمعه وارد] مسجد [شد، در حالی که پیامبر . صلی الله علیه وسلم . خطبه می گفتند، پس گفت :یا رسول الله، اموال از بین رفت و خانواده گرسنه شد، پس برای ما الله را به دعا بخوان؛ ایشان دستانشان را بلند کردند و دعا کردند، ناگهان ابرهایی همچون کوه ها برانگیخته شدند، و ایشان از منبر پایین نیامده بودند تا باران را دیدیم که از مجاسن ایشان می چکید.

در جمعۀ بعدی همان اعرابی . یا دیگری . آمد و گفت :یا رسول الله، خانه ها ویران شد و اموال زیر آب رفت، برای ما الله را به دعا بخوان، پس رسول الله . صلی الله علیه وسلم . چنین دعا کردند» :اللهم حوالینا و لا علینا «یعنی خداوندا :بر اطراف ما نه بر ما، و به ناحیه ای اشاره نمی کردند مگر آنکه] ابرها از آن ناحیه [پراکنده می شدند.

اجابت دعاها همواره و تا امروز امری است مورد مشاهده، برای کسی که صادقانه به الله تعالی پناه آورد، و شروط اجابت را رعایت کند.

وجه دوم :اینکه نشانه های پیامبر که معجزه نامیده می شوند و مردم آن را می بینند، یا درباره اش می شنوند، برهانی است قاطع بر وجود کسی که آنان را فرستاده، یعنی الله تعالی؛ زیرا اینها اموری است خارج از قدرت بشر، که الله تعالی آن را برای تایید و نصرت آنان بر دستانشان جاری می سازد.

مثال آن :نشانهٔ موسی علیه السلام هنگامی که الله تعالی او را امر نمود تا با عصای خود به دریا بزند، پس دریا به دوازده راه خشک شکافته شده، که در بین آنها همانند کوه هایی] فاصله [بود .الله تعالی می فرماید:

﴿فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡبَحۡرَۖ فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرۡقٖ كَٱلطَّوۡدِ ٱلۡعَظِيمِ ٦٣﴾ [الشعراء: 63]

} پس به موسی وحی کردیم» :عصایت را به دریا بزن «آنگاه] دریا [شکافته شد، پس هر بخشی] از آن [همچون کوه عظیمی شد] {شعراء .[63 :مثالی دیگر :نشانهٔ عیسی .علیه السلام .که مردگان را زنده می کرد، و آنان را به اذن الهی از قبرهایشان زنده بیرون می آورد .الله تعالی می فرماید :

﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَنِّي قَدۡ جِئۡتُكُم بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ أَنِّيٓ أَخۡلُقُ لَكُم مِّنَ ٱلطِّينِ كَهَيۡـَٔةِ ٱلطَّيۡرِ فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيۡرَۢا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۖ وَأُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ وَٱلۡأَبۡرَصَ وَأُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۖ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأۡكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٤٩﴾ [آل عمران: 49]

}و مردگان را به اذن الله زنده می کنم] {آل عمران [49 :و می فرماید :

﴿إِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ٱذۡكُرۡ نِعۡمَتِي عَلَيۡكَ وَعَلَىٰ وَٰلِدَتِكَ إِذۡ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِ تُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِي ٱلۡمَهۡدِ وَكَهۡلٗاۖ وَإِذۡ عَلَّمۡتُكَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَۖ وَإِذۡ تَخۡلُقُ مِنَ ٱلطِّينِ كَهَيۡـَٔةِ ٱلطَّيۡرِ بِإِذۡنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيۡرَۢا بِإِذۡنِيۖ وَتُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ وَٱلۡأَبۡرَصَ بِإِذۡنِيۖ وَإِذۡ تُخۡرِجُ ٱلۡمَوۡتَىٰ بِإِذۡنِيۖ وَإِذۡ كَفَفۡتُ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَنكَ إِذۡ جِئۡتَهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ١١٠﴾ [المائدة: 110]

}و آنگاه که مردگان را به اذن من زنده می کنی] {مائده .[110 :مثال سوم دربارۀ محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ است که قریش از ایشان نشانه ای خواستند، پس ایشان به ماه اشاره کردند، و ماه به دو نیمه تقسیم شد، و مردم آن را عیان دیدند، و این سخن الله تعالی در همین باره است :

﴿ٱقۡتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلۡقَمَرُ ١ وَإِن يَرَوۡاْ ءَايَةٗ يُعۡرِضُواْ وَيَقُولُواْ سِحۡرٞ مُّسۡتَمِرّٞ ٢﴾ [القمر: 1-2]

}قیامت نزدیک شد و ماه دو نیمه شد، و اگر نشانه ای ببینند روی می گردانند و می گویند] این [جادویی است دایم] {قمر[1-2 :،

این نشانه های محسوس که الله تعالی آن را برای تایید پیامبرانش، و یاری آنان جاری می سازد، دلالتی قطعی بر وجود او تعالی دارد.

امر دوم که ایمان به الله در خود دارد :ایمان به پروردگاری اوست، یعنی تنها او پروردگار است و در این پروردگاری اش شریک و یاوری ندارد.

رب) پروردگار :(یعنی کسی که خلقت و ملک و امر از آن اوست، پس خالق و مالکی جز الله نیست، و امری نیست مگر امر او .الله تعالی می فرماید :

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتِۭ بِأَمۡرِهِۦٓۗ أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٥٤﴾ [الأعراف: 54]

}بدانید که خلقت و امر از آن اوست] {اعراف [54:و می گوید :

﴿يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِي لِأَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ لَهُ ٱلۡمُلۡكُۚ وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمۡلِكُونَ مِن قِطۡمِيرٍ ١٣﴾ [فاطر: 13]

}این است الله پروردگار شما، فرمانروایی از آن اوست .و آنهایی را که به جز او می خوانید، مالک پوست هستۀ خرمایی] هم [نیستند] {فاطر.[13 :

دانسته نشده که کسی منکر ربوبیت الله سبحانه و تعالی باشد، مگر از روی تکبر بی آنکه به گفتهٔ خود باور داشته باشد، مانند آنچه از فرعون سر زد، که به قوم خود گفت:

﴿فَقَالَ أَنَا۠ رَبُّكُمُ ٱلۡأَعۡلَىٰ٢٤﴾ [النازعات: 24]

} من پروردگار والای شما هستم] {نازعات[24 :، و گفت:

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَأُ مَا عَلِمۡتُ لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرِي فَأَوۡقِدۡ لِي يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ فَٱجۡعَل لِّي صَرۡحٗا لَّعَلِّيٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ٣٨﴾ [القصص: 38]

} ای جمع اشراف، من برای شما خدایی جز خود نمی دانم] {قصص[38 :، اما این را از روی باور واقعی نمی گفت،

الله تعالی می فرماید :

﴿وَجَحَدُواْ بِهَا وَٱسۡتَيۡقَنَتۡهَآ أَنفُسُهُمۡ ظُلۡمٗا وَعُلُوّٗاۚ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُفۡسِدِينَ١٤﴾ [النمل: 14]

}با آنکه دلهایشان بدان یقین داشت از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند] نمل : 14].

و موسی چنانکه الله تعالی سخن او را نقل نموده خطاب به فرعون فرمود :

﴿قَالَ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَآ أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ بَصَآئِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَٰفِرۡعَوۡنُ مَثۡبُورٗا١٠٢﴾ [الإسراء: 102]

}قطعا می دانی که این] نشانه ها [را که باعث بینش هاست جز پروردگار آسمانها و زمین نازل نکرده است، و به راستی که ای فرعون من تو را تباه شده می پندارم {]اسراء[102 :،

برای همین مشرکان به ربوبیت و پروردگاری الله اقرار داشتند، با اینکه در الوهیت و عبادت او مرتکب شرک می شدند .الله تعالی می فرماید:

﴿قُلۡ لِّمَنِ ٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهَآ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ٨٤ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ٨٥ قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلسَّبۡعِ وَرَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ٨٦ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ٨٧ قُلۡ مَنۢ بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ٨٨ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ فَأَنَّىٰ تُسۡحَرُونَ٨٩﴾ [المؤمنون: 84-89]

}بگو اگر می دانید] بگویید [زمین و هر که در آن است به چه کسی تعلق دارد؟ *خواهند گفت به الله، بگو آیا عبرت نمی گیرید؟ * بگو پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست؟ * خواهند گفت الله، بگو آیا تقوا نمی ورزید؟ * بگو فرمانروایی هر چیزی به دست کیست و اگر می دانید] کیست آنکه [او پناه می دهد و در پناه کسی نمی رود * خواهند گفت الله، بگو پس چگونه دستخوش افسون شده اید] {مؤمنون.[84-89 :

و الله تعالی می فرماید :

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡعَلِيمُ٩﴾ [الزخرف: 9]

}اگر از مشرکان بپرسی :آسمان ها و زمین را چه کسی آفریده است؟، قطعاً می گویند] :الله [شکست ناپذیر دانا] {زخرف .[9 :و الله سبحانه می فرماید:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَهُمۡ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ٨٧﴾ [الزخرف: 87]

} و اگر از مشرکان بپرسی چه کسی آنان را آفریده است، مسلّماً میگویند» :الله«؛ پس چگونه] از حق [برمی گردند؟] {زخرف .[87 :امر الله سبحانه و تعالی امری است شامل که امر کَونی) مربوط به هستی (و امر شرعی را در بر می گیرد، یعنی همانطور که او مدبر هستی است و هر چه می خواهد بر حسب حکمتش در آن انجام می دهد، همانطور نیز با مشروع ساختن عبادات، و احکام معاملات، بنابر حکمتش با شرع خود بر جهان حاکم است .پس هر که همراه با الله قانونگذار دیگری در عبادات، یا حاکم دیگری در معاملات؛ قرار دهد، به او شریک آورده، و ایمان را محقق نساخته است.

امر سوم که ایمان به الله در خود دارد :ایمان به الوهیت اوست، یعنی تنها او معبود به حق است که شریکی ندارد، و» اله «به معنای» مَألوه«است یعنی :آنکه از روی محبت و بزرگداشت عبادت می شود.

الله تعالی می فرماید :

﴿وَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٣﴾ [البقرة: 163]

}و معبود شما معبودی است یگانه که معبودی] به حق [جز او نیست، اوست آن رحمت گستر مهربان] {بقره] 163 :

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٨﴾ [آل عمران: 18]

الله ، که] در جهان هستی [برپادارندۀ عدل است، گواهی داده است که معبودی]به حق [جز او نیست، و فرشتگان و علما] نیز بر یگانگی و عدالتِ الهی گواهی می دهند .[معبودی] به حق [جز او نیست] که [شکست ناپذیرِ حکیم است] {آل عمران[18 :، و هر کس معبودی همراه با الله بگیرد که جز او عبادتش کند؛ الوهیت آن معبود باطل است .الله تعالی می فرماید :

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ هُوَ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ٦٢﴾ [الحج: 62]

}این به سبب آن است که الله حق است و آنچه را که] مشرکان [جز او می خوانند]همه [باطل است و الله بلندمرتبۀ بزرگ است] {حج .[62 :اینکه آنان» معبود « نامیده می شوند به آنان حق عبادت نمی دهد، الله تعالی دربارۀ» لات و عُزّیٰ و منات « می فرماید :

﴿إِنۡ هِيَ إِلَّآ أَسۡمَآءٞ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٍۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا تَهۡوَى ٱلۡأَنفُسُۖ وَلَقَدۡ جَآءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ ٱلۡهُدَىٰٓ ٢٣﴾ [النجم: 23]

}این ها چیزی نیست جز نامهایی که شما و پدرانتان نهاده اید و الله دربارۀ آن هیچ دلیلی نیاورده است] {نجم .[23 :و از هود علیه السلام نقل نموده که خطاب به قومشان فرمودند:

﴿قَالَ قَدۡ وَقَعَ عَلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡ رِجۡسٞ وَغَضَبٌۖ أَتُجَٰدِلُونَنِي فِيٓ أَسۡمَآءٖ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّا نَزَّلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٖۚ فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُنتَظِرِينَ ٧١﴾ **[الأعراف: 71]**

}آیا با من دربارۀ نامهایی جدل می کنید که شما و پدرانتان نهاده اید و الله دربارۀ آن هیچ دلیلی نیاورده است] {اعراف .[71 :و از یوسف علیه السلام نقل نموده که به دو یار زندانی اش گفت:

﴿يَٰصَٰحِبَيِ ٱلسِّجۡنِ ءَأَرۡبَابٞ مُّتَفَرِّقُونَ خَيۡرٌ أَمِ ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ ٣٩ مَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ أَسۡمَآءٗ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٍۚ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِۚ أَمَرَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٤٠﴾ **[یوسف: 39-40]**

} ای دو رفیق زندانیم، آیا خدایان پراکنده بهترند یا الله یگانۀ مقتدر؟ * شما به جای او جز نامهایی] چند [را نمی پرستید که شما و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده اید، و الله دلیلی بر] حقانیت [آن نازل نکرده است] {یوسف .[40-39 :از این رو، پیامبران - که درود و سلام الله بر آنان باد - به اقوام خود می گفتند :

﴿لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ٥٩﴾ **[الأعراف: 59]**

}الله را عبادت کنید که شما جز او خدایی ندارید] {اعراف [59 :اما مشرکان از این سر باز زدند، و جز الله خدایانی برگرفتند، که آنان را همراه با الله سبحانه و تعالی می پرستیدند، و از آنان یاری و کمک می خواستند.

الله تعالی برگرفتن این خدایان توسط مشرکان را، با دو برهان عقلی رد کرده است:

نخست :اینکه در این خدایانی که آنان برگرفته بودند هیچ یک از ویژگی های خدایی وجود نداشت .آنان مخلوقند و خلق نمی کنند، و برای پرستندگان خود سود ندارند، و زیانی را از آنان دور نمی کنند، و برایشان مالک زندگی و مرگی نیستند، و چیزی از آسمانها را مالک نیستند، و در این ملک شریک نیستند.

الله تعالی می فرماید:

﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗ لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ وَلَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا وَلَا يَمۡلِكُونَ مَوۡتٗا وَلَا حَيَوٰةٗ وَلَا نُشُورٗا ٣﴾ [الفرقان: 3]

} و] مشرکان [به جای او =] الله [معبودانی برگزیده اند که چیزی نمی آفرینند، و خود آفریده می شوند و مالک هیچ زیان و سودی برای خود نیستند، و] نیز [مالک مرگ و زندگی و] قادر به [برانگیختن] مردگان [نیستند] {فرقان.[3 :

و می فرماید :

﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا لَهُمۡ فِيهِمَا مِن شِرۡكٖ وَمَا لَهُۥ مِنۡهُم مِّن ظَهِيرٖ ٢٢ وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنۡ أَذِنَ لَهُۥۚ حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمۡ قَالُواْ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمۡۖ قَالُواْ ٱلۡحَقَّۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ٢٣﴾ [سبأ: 22-23]

}بگو کسانی را که جز الله] معبود و فریادرس خود [پنداشته اید بخوانید، هموزن ذره ای نه در آسمانها و نه در زمین مالک نیستند و در آن دو شرکتی ندارند و برای وی از میان آنان هیچ پشتیبانی نیست و شفاعتگری در پیشگاه او سود نمی بخشد، مگر برای آن کس که به وی اجازه دهد] {سبأ [22-23 :و می فرماید:

﴿أَيُشۡرِكُونَ مَا لَا يَخۡلُقُ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ ١٩١ وَلَا يَسۡتَطِيعُونَ لَهُمۡ نَصۡرٗا وَلَآ أَنفُسَهُمۡ يَنصُرُونَ ١٩٢﴾ [الأعراف: 191-192]

} آیا موجوداتی را] با او [شریک می گردانند که چیزی را نمی آفرینند و خودشان مخلوقند؟ * و نمی توانند آنان را یاری دهند، و نه خویشتن را یاری دهند] {اعراف : 191-192].

اگر این حال آن خدایان باشد، برگرفتن چنین خدایانی از سفیهانه ترین کارها و باطل ترین اعمال است.

و دوم :آن مشرکان به این معترف بودند که تنها الله پروردگار خالقی است که فرمانروایی همه چیز به دست اوست، و اوست که پناه می دهد و پناه داده نمی شود، و

این مستلزم آن است که همانطور که در ربوبیت به یگانگی او معترفند، در الوهیت و بندگی نیز او را یگانه بدارند .چنانکه الله تعالی می فرماید :

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ٢١ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٢٢﴾ [البقرة: 21-22]

}ای مردم، پروردگارتان را عبادت کنید که شما را و کسانی که پیش از شما را آفرید، باشد که پرهیزگاری پیشه سازید * همانطورکه زمین برای شما فرشی] گسترده [قرار داد و از آسمان آبی فرو آورد، و بدان از میوه ها رزقی برای شما بیرون آورد، پس برای الله همتایانی قرار ندهید در حالی که خود می دانید] {بقره.[22-21 :

و می فرماید:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَهُمۡ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٨٧﴾ [الزخرف: 87]

} و اگر از آنان بپرسی چه کسی آنان را آفریده بی شک خواهند گفت :الله، پس چگونه] از حقیقت [بازگردانیده می شوند] {زخرف.[87 :

و می فرماید :

﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٣١ فَذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَمَاذَا بَعۡدَ ٱلۡحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُۖ فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ ٣٢﴾ [يونس: 31-32]

}بگو چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می دهد؟ و یا کسی که حاکم بر گوش ها و دیدگان است .و کیست که زنده را از مرده، و مرده را از زنده خارج می سازد .و کیست که کارها را تدبیر می کند؟ خواهند گفت :الله .پس بگو آیا پروا نمی کنید؟ * این است الله پروردگار حقیقی شان و بعد از حق چیست جز گمراهی؟ پس چگونه] از حق [بازگردانیده می شوید] {یونس.[32-31 :

چهارمین موردی که ایمان به الله در خود دارد :ایمان به نامها و صفات اوست:

یعنی :اثبات نامها و صفاتی که الله در کتابش یا سنت پیامبرش .صلی الله علیه وسلم . برای خود اثبات نموده به شکل شایسته بدون تحریف، و تعطیل، و تکییف،) ذکر چگونگی (و تمثیل) همانند سازی .(الله تعالی می فرماید :

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَاۖ وَذَرُواْ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ أَسۡمَٰٓئِهِۦۚ سَيُجۡزَوۡنَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٨٠﴾ [الأعراف: 180]

}و نامهای نیکو به الله اختصاص دارد پس او را با آنها بخوانید و کسانی را که در مورد نامهای او به کژی می گرایند رها کنید، به زودی به] سزای [آنچه انجام می دادند کیفر خواهند یافت] .{اعراف[180 :

و می فرماید:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِۚ وَلَهُ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٧﴾ [الروم: 27]

} و نمونۀ والا] ی هر صفت نیکویی [از آن اوست و اوست شکست ناپذیر سنجیده کار] {روم[27 :

و می فرماید:

﴿فَاطِرُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ أَزۡوَٰجٗا يَذۡرَؤُكُمۡ فِيهِۚ لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ١١﴾ [الشورى: 11]

} چیزی همانند او نیست و اوست آن شنوای بینا] {شوری.[11 :

در این باره دو طایفه به گمراهی رفته اند:

یکی از آنها» معطله «هستند :کسانی که نام ها و صفات یا برخی از آنها را انکار کردند، و مدعی شدند اثبات این صفات مستلزم تشبیه است، یعنی تشبیه الله تعالی به خلق او، اما این گمانی است باطل از چند وجه:

نخست :این مستلزم لوازم باطلی مانند تناقض در کلام الله سبحانه است .زیرا الله تعالی این نامها و صفات را برای خود ثابت دانسته، و از سوی دیگر نفی کرده که چیزی

همانند او باشد .حال آنکه اگر لازمۀ این نامها تشبیه بود؛ در کلام او تناقض پیش می آمد و بخشی از سخن او، بخشی دیگر را تکذیب می کرد

دوم :اتفاق دو چیز در نام یا در صفت لازمه اش این نیست که آن دو همانند باشند . تو می بینی که دو انسان در انسان بودن و در شنوا و بینا و متلکم بودن اتفاق دارند، اما لازمه اش این نیست که هر دو در معانی انسانیت و شنوایی و بینایی و سخن همانند باشند] .یعنی برخی صفات انسانی شان قوی تر است و سمع و بصر و کلام بهتری دارند.[

همینطور می بینی که حیوانات نیز دست و پا و چشم دارند، اما این لازمه اش این نیست که دستان و پاها و چشمان آنان همانند باشد.

وقتی در بین مخلوقات دربارۀ چیزی که نام و صفات همانند دارد همانندی نیست، تباین و تفاوت بین خالق و مخلوق واضح تر و بیشتر است.

طایفۀ دوم :مُشَبّهه) اهل تشبیه (آنانی که نامها و صفات را اثبات می کنند اما الله تعالی را به خلقش شبیه می دانند، و مدعی اند این مقتضای دلالت نصوص است؛ زیرا الله تعالی بندگانش را بر اساس آنچه می دانند مورد خطاب قرار داده است، اما این از چند جهت زعمی باطل است، از جمله:

نخست :مشابهت الله تعالی با بندگانش امری است که عقل و شرع دال بر بطلان آن است، و ممکن نیست که معنا و مقتضای نصوص کتاب و سنت امری باطل باشد.

دوم :الله تعالی بندگانش را از نظر اصل معنا بر اساس آنچه می دانند مورد خطاب قرار داده، اما حقیقت و کُنه و ماهیتی که آن معنا بر آن دلالت دارد از جمله اموری است که الله تعالی علم آن را نزد خود نگه داشته است.

یعنی اگر الله برای خودش سمیع بودن) شنوا بودن (را اثبات نمود، این» سمع «از نظر اصل معنایش) یعنی ادراک صداها (معنای معلومی دارد، اما حقیقت آن دربارۀ سمع الله تعالی غیر معلوم است؛ زیرا حقیقت شنوایی حتی بین خود مخلوقات متفاوت است؛ در نتیجه تفاوت آن میان خالق و مخلوق بیشتر و بزرگتر است.

و چون الله تعالی دربارۀ ذات خود خبر داده که بر عرش مستوی است، این استوا از نظر اصل معنا معلوم است، اما حقیقت این استوا] و قرار گرفتن الله بر عرش [برای ما غیر معلوم است، زیرا حقیقت استوا دربارۀ خود مخلوقان نیز متفاوت است، برای مثال

استوا) قرار گرفتن (بر یک صندلی ثابت مانند قرار گرفتن بر پالان شتر نا آرام نیست، پس چون استوا در حق مخلوق متفاوت است، این تفاوت میان خالق و مخلوق واضح تر و بیشتر است.

و ایمان به الله تعالی چنانکه توصیف نمودیم برای مؤمنان ثمرات بس گرانبهایی دارد، از جمله:

نخست :محقق شدن توحید الهی، آنطور که امید و ترسش صرفا از الله خواهد بود، و جز او چیزی را عبادت نخواهد کرد.

دوم :کمال محبت برای الله تعالی و بزرگداشت او بر اساس نامهای نیک و صفات والایش.

سوم :محقق شدن عبادتش با انجام اوامر الهی، و دوری از نواهی او.

*

ایمان به ملائکه

ملائکه :جهانی غیبی هستند .آنها آفریدهٔ الله و عبادتگزار اویند، و هیچ یک از ویژگی های پروردگاری و الوهیت را دارا نیستند .الله آنان را از نور آفریده، و فرمانبرداری کامل از اوامر خود، و توان اجرایش را به آنان داده است .الله تعالی می فرماید:

﴿وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَمَنۡ عِندَهُۥ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسۡتَحۡسِرُونَ ١٩ يُسَبِّحُونَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لَا يَفۡتُرُونَ ٢٠﴾ [الأنبياء: 19-20]

} و کسانی که نزد اویند از پرستش وی تکبر نمی ورزند و درمانده نمی شوند * شبانه روز بی آنکه سستی ورزند تسبیح او گویند] {انبیاء.[20-19 :

ملائکه بسیارند، و تعداد آنان را جز الله نمی داند .و در صحیحین از حدیث أنَس . رضی الله عنه . در داستان معراج آمده که بیت المعمور در آسمان برای پیامبر . صلی الله علیه وسلم . نمایان شد، که هر روز هفتاد هزار ملائکه در آن نماز می گزارند، و چون بیرون روند دیگر به آنجا باز نمی گردند.

و ایمان به ملائکه چهار مسئله را در خود دارد:

نخست :ایمان به وجود آنان.

دوم :ایمان به آن ملائکه ای که نام آنها را می دانیم مانند» جبرئیل «و آنانی که نامشان را نمی دانیم به شکل اجمالی به آنها ایمان می آوریم.

سوم :ایمان به آن صفات آن دسته از ملائکه که صفاتشان را می دانیم، مانند جبرئیل که پیامبر . صلی الله علیه وسلم . ما را آگاه ساخته که او را بر همان صفتی که بر آن آفریده شد دید، که ششصد بال داشت و افق را پر کرده بود.

و ممکن است که ملائکه به امر الله تعالی به شکل مرد در آید، چنانکه برای »جبرئیل «پیش آمد وقتی که الله تعالی او را به سوی مریم فرستاد پس برای او به شکل یک انسان کامل معتدل درآمد، همینطور هنگامی که پیامبر . صلی الله علیه وسلم . نزد اصحاب خود نشسته بود به شکل یک مرد با لباس بسیار سفید و موی بسیار سیاه آمد، که اثری از سفر بر او نبود، و کسی از اصحاب ایشان را نمی شناخت، پس نزد پیامبر . صلی الله علیه وسلم . نشست و زانویش را به زانوی او چسباند، و دستانش را بر رانهایش نهاد، و از پیامبر . صلی الله علیه وسلم . دربارۀ اسلام و ایمان و احسان و قیامت و نشانه های آن پرسید، پس پیامبر . صلی الله علیه وسلم . پاسخ ایشان را گفت و آنگاه ایشان رفتند، و پیامبر . صلی الله علیه وسلم . فرمودند» :این جبرئیل بود؛ آمده بود تا دینتان را به شما یاد دهد.«

همینطور ملائکه ای که الله تعالی آنان را به سوی ابراهیم و لوط فرستاد، در ظاهر انسان بودند.

چهارمین چیزی که ایمان به ملائکه در خود دارد، ایمان به آن کارهایی است که الله ما را از آن آگاه ساخته و به امر الله تعالی انجام می دهند، مانند تسبیح الهی و عبادت شبانه روزی او بدون خستگی.

و ممکن است برخی از آنان اعمال ویژه ای داشته باشند.

مانند جبرئیل که امانتدار وحی الهی است، و الله او را به سوی پیامبران و رسولان می فرستد.

و مانند میکائیل که مامور" قَطر "است، یعنی مامور باران و رویش.

و مانند اسرافیل که مامور به دمیدن در صور به هنگام قیام قیامت و رستاخیز مردمان است.

و همچنین ملک الموت که موکل به قبض ارواح بندگان به هنگام مرگ است.

همینطور مالک که مسئول دوزخ و نگهبان آتش است.

و همانند ملائکه ای که موکل جنین ها در رحم مادران هستند، آنگاه که انسان چهار ماه را در شکم مادرش کامل می کند، سپس الله ملائکه ای را به سوی او می فرستد و او را به نوشتن روزی، و اجل، و عمل، و شقی یا خوشبخت بودن او می کند.

و مانند ملائکه ای که موظف به حفظ و ثبت اعمال بنی آدم هستند .هر انسانی دو ملائکه دارد که یکی سمت راست و دیگری سمت چپ نشسته است.

و مانند ملائکه ای که موکل به پرسش از میت پس از گذاشتن او در قبر هستند؛ تا از او دربارهٔ پروردگارش، و دینش، و پیامبرش بپرسند.

ایمان به ملائکه ثمرات بسیار گرانقدری دارد از جمله:

نخست :علم به عظمت و قدرت و سلطهٔ الله تعالی، زیرا عظمت مخلوق دال بر عظمت خالق است.

دوم :شکرگزاری الله تعالی برای عنایت او به انسانها؛ آنطور که از این ملائکه کسانی را مامور حفظ آنان، و نوشتن اعمالشان، و دیگر مصالح آنان برگمارده است.

سوم :دوست داشتن ملائکه برای آنکه عبادت الله تعالی را انجام می دهند.

گروهی از گمراهان این را که ملائکه دارای جسم باشند انکار کرده اند و گفته اند : آنان همان نیروهای خیر در مخلوقات هستند، اما این دروغ انگاشتن کتاب الله و سنت رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ و اجماع مسلمانان است.

الله تعالی می فرماید :

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ جَاعِلِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُوْلِيٓ أَجۡنِحَةٖ مَّثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَۚ يَزِيدُ فِي ٱلۡخَلۡقِ مَا يَشَآءُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١﴾ [فاطر: 1]

}ستایش الله را که پدید آورندهٔ آسمان و زمین است] و [ملائکه را که دارای بال های دوگانه و سه گانه و چهارگانه اند پیام آورنده قرار داده است] {فاطر.[1 :

و می فرماید :

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ يَتَوَفَّى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ وَأَدۡبَٰرَهُمۡ وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ٥٠﴾ [الأنفال: 50]

}و اگر ببینی آنگاه که ملائکه جان کافران را می ستانند و بر چهره و پشت آنان می زنند و] گویند [عذاب سوزان را بچشید] {انفال.[50 :

و می فرماید :

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمۡ يُوحَ إِلَيۡهِ شَيۡءٞ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثۡلَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۗ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي غَمَرَٰتِ ٱلۡمَوۡتِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓاْ أَيۡدِيهِمۡ أَخۡرِجُوٓاْ أَنفُسَكُمُۖ ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَكُنتُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِهِۦ تَسۡتَكۡبِرُونَ ٩٣﴾ [الأنعام: 93]

}و کاش ستمکاران را در گردابهای مرگ می دیدی که ملائکه] به سوی آنان [دستهایشان را گشوده اند] و نهیب می زنند که [جانهایتان را بیرون دهید] {انعام.[93 :

و می فرماید:

﴿وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنۡ أَذِنَ لَهُۥۚ حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمۡ قَالُواْ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمۡۖ قَالُواْ ٱلۡحَقَّۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ٢٣﴾ [سبأ: 23]

} تا چون هراس از دلهایشان برطرف شود می گویند پروردگارتان چه فرمود؟ می گویند :حق است و اوست بلند مرتبه و بزرگ] {سبأ.[23 :

و دربارهٔ اهل بهشت می فرماید:

﴿جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَدۡخُلُونَ عَلَيۡهِم مِّن كُلِّ بَابٖ ٢٣ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُم بِمَا صَبَرۡتُمۡۚ فَنِعۡمَ عُقۡبَى ٱلدَّارِ ٢٤﴾ [الرعد: 23-24]

} و ملائکه از هر دری بر آنان وارد می شوند] * و می گویند [سلام بر شما برای آنچه شکیبایی ورزیدید، راستی چه نیکوست فرجام آن سرا] {رعد.[24-23 :

و در صحیح بخاری از ابوهریره . رضی الله عنه . روایت است که پیامبر . صلی الله علیه وسلم . فرمودند» :هرگاه الله بنده ای را دوست بدارد جبرئیل را ندا می دهد که الله فلانی را دوست می دارد، پس او را دوست بدار، پس جبرئیل او را دوست می دارد، سپس جبرئیل در میان اهل آسمان ندا می زند که :بدانید که الله فلانی را دوست می دارد پس او را دوست بدارید، پس اهل آسمان او را دوست می دارند، سپس برای او در زمین پذیرش نهاده می شود.«

و در همین صحیح از ابوهریره . رضی الله عنه . روایت است که گفت :رسول الله . صلی الله علیه وسلم . فرمودند» :چون روز جمعه می شود نزد هر دری از درهای مسجد ملائکه ای هستند که] نام های افراد وارد شونده را [به ترتیب می نویسند، پس چون امام]برای خطبه [نشست، دفترهایشان را می بندند و برای شنیدن ذکر می آیند.«

این نصوص به صراحت سخن از دارای جسم بودن ملائکه به میان آورده نه اینکه آنان صرفا نیروهایی معنوی باشند، آنطور که اهل گمراهی گمان می کنند و اجماع مسلمانان بر اساس معنای همین نصوص است.

*

ایمان به کتاب ها

کُتُب :جمع» کتاب «است، به معنای» مکتوب) «نوشته شده.(

منظور از کتابها اینجا، کتابهایی است که الله تعالی از روی رحمت در حق خلقش، و برای هدایت آنان؛ بر پیامبرانش نازل کرده تا به سعادت دنیا و آخرت دست یابند.

و ایمان به کتابها چهار مسئله را در خود دارد:

نخست :ایمان به اینکه نزول آن به حق از سوی الله بوده است.

دوم :ایمان به آن کتابهایی که الله از آنها نام برده با همان نام :مانند قرآن که بر محمد . صلی الله علیه وسلم . نازل شده و تورات که بر موسی . صلی الله علیه وسلم . نازل شده، و انجیل که بر عیسی . صلی الله علیه وسلم . نازل شده، و زبور که به داوود . صلی الله علیه وسلم . داده شده، اما به آن کتابهایی که از آنها نام برده نشده به شکل اجمالی ایمان می آوریم.

سوم :راست شمردن هر خبری که به شکل صحیح به ما رسیده، مانند همهٔ اخبار قرآن، و آن اخبار کتابهای پیشین که دچار تغییر و تحریف نشده است.

چهارم :عمل به آن احکام این کتابها که منسوخ نشده است، و خشنودی و تسلیم به آن، چه حکمت از آن فهمیدیم یا خیر، و همهٔ کتابهای پیشین با قرآن عظیم منسوخ شده اند، الله تعالی می فرماید :

﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِۖ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ لِكُلّٖ جَعَلۡنَا مِنكُمۡ شِرۡعَةٗ وَمِنۡهَاجٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَكُمۡ فِي مَآ ءَاتَىٰكُمۡۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ٤٨﴾ [المائدة: 48]

}و ما این کتاب) قرآن (را به حق به سوی تو نازل کردیم در حالی که تصدیق کنندهٔ کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست] {مائده.[48 :

بر این اساس، عمل به هیچ یک از احکام کتابهای پیشین جایز نیست، مگر آن احکامی که قرآن تایید کرده و به صحت رسیده است.

و ایمان به کتابهای آسمانی ثمرات بسیار گرانقدری دارد از جمله:

نخست :علم به عنایت الله تعالی به بندگانش؛ آنطور که برای هر قومی کتابی نازل کرده تا با آن هدایت شوند.

دوم :علم به حکمت الله تعالی در شرعش؛ آنطور که برای هر قومی آنچه را مناسبت اوضاع آنان بوده مشروع ساخته است، همانطور که الله تعالی می فرماید:

﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِۖ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ لِكُلّٖ جَعَلۡنَا مِنكُمۡ شِرۡعَةٗ وَمِنۡهَاجٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَكُمۡ فِي مَآ ءَاتَىٰكُمۡۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ٤٨﴾ [المائدة: 48]

} برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار داده ایم] {مائده.[48 :

سوم :شکر نعمت الله برای آن.

*

ایمان به رسولان) پیامبران(

رُسُل جمع» رسول «است به معنای» فرستاده شده«، یعنی کسی که برای ابلاغ چیزی فرستاده شده باشد.

منظور از رسول در اینجا آن انسانی است که با یک شرع فرستاده شده و امر به تبلیغ آن شرع شده است.

اولین رسولان، نوح . علیه السلام . است و آخرینشان محمد . صلی الله علیه وسلم . است.

الله تعالی می فرماید :

﴿۞إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ كَمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ نُوحٖ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَٰرُونَ وَسُلَيۡمَٰنَۚ وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا ١٦٣﴾ [النساء: 163]

}ما به سوی تو وحی کردیم همانطور که به نوح و پیامبران پس از او وحی نمودیم {]نساء.[163 :

و در صحیح بخاری از انس بن مالک . رضی الله عنه . در حدیث شفاعت آمده است که پیامبر . صلی الله علیه وسلم . فرمودند» :مردم به نزد آدم می آیند تا برایشان شفاعت کند؛ پس از آنان عذر می خواهد و می گوید :به نزد نوح بروید زیرا او نخستین رسولی

است که الله مبعوث ساخت «و سپس حدیث را تا پایان ذکر نمود .و الله تعالی دربارهٔ محمد .صلی الله علیه وسلم .می فرماید :

﴿مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝٤٠﴾ [الأحزاب: 40]

}محمد پدر هیچ یک از مردان شما نبوده است،) نه پدر زید و نه هیچ کس دیگری (بلکه فرستادهٔ الله به سوی مردم، و خاتم پیامبران است] {احزاب .[و هیچی امتی نبوده مگر آنکه خداوند برای آنان رسولی با شریعت مستقل، یا پیامبری با شریعت رسول قبلی فرستاده است؛ تا آن را تجدید نماید .الله تعالی می فرماید :

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ وَٱجْتَنِبُوا۟ ٱلطَّٰغُوتَ ۖ فَمِنْهُم مَّنْ هَدَى ٱللَّهُ وَمِنْهُم مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ ٱلضَّلَٰلَةُ ۚ فَسِيرُوا۟ فِي ٱلْأَرْضِ فَٱنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُكَذِّبِينَ ۝٣٦﴾ [النحل: 36]

}و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم] تا بگوید [الله را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید] {نحل.[36 :

و می فرماید :

﴿إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۚ وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ۝٢٤﴾ [فاطر: 24]

}و امتی نبوده مگر آنکه در میانشان هشدار دهنده ای بوده است] {فاطر.[24 :

و می فرماید:

﴿إِنَّآ أَنزَلْنَا ٱلتَّوْرَىٰةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ ۚ يَحْكُمُ بِهَا ٱلنَّبِيُّونَ ٱلَّذِينَ أَسْلَمُوا۟ لِلَّذِينَ هَادُوا۟ وَٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلْأَحْبَارُ بِمَا ٱسْتُحْفِظُوا۟ مِن كِتَٰبِ ٱللَّهِ وَكَانُوا۟ عَلَيْهِ شُهَدَآءَ ۚ فَلَا تَخْشَوُا۟ ٱلنَّاسَ وَٱخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَٰفِرُونَ ۝٤٤﴾ [المائدة: 44]

} ما تورات را نازل کردیم که در آن هدایت و نور بود، پیامبرانی که تسلیم] امر الهی [بودند به موجب آن برای یهود داوری می کردند] {مائده.[44 :

و رسولان، انسانهایی مخلوق هستند که هیچ یک از ویژگی های پروردگاری و خدایی را دارا نیستند .الله تعالی دربارۀ پیامبرش محمد که سرور رسولان و والا مقامترین آنان نزد الله است می فرماید:

﴿قُل لَّآ أَمۡلِكُ لِنَفۡسِي نَفۡعٗا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ وَلَوۡ كُنتُ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ لَٱسۡتَكۡثَرۡتُ مِنَ ٱلۡخَيۡرِ وَمَا مَسَّنِيَ ٱلسُّوٓءُۚ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ وَبَشِيرٞ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ١٨٨﴾ [الأعراف: 188]

}بگو :من مالکِ سود و زیان خویشتن نیستم، مگر آنچه را که الله بخواهد؛ و اگر غیب می دانستم، خیر] و سود [بسیاری] برای خود [فراهم می ساختم و هیچ بدی]و زیانی [به من نمی رسید .من] کسی [نیستم، مگر بیم دهنده و بشارت بخشی]دلسوز [برای گروهی که ایمان دارند] {اعراف.[188 :

و می فرماید:

﴿قُلۡ إِنِّي لَآ أَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا رَشَدٗا ٢١ قُلۡ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ ٱللَّهِ أَحَدٞ وَلَنۡ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدًا ٢٢﴾ [الجن: 21-22]

} بگو من برای شما اختیار زیان و هدایتی را ندارم * بگو هرگز کسی مرا در برابر الله پناه نمی دهد و هرگز پناهگاهی غیر از او نمی یابم] {جن.[22-21 :

همهٔ ویژگی های بشری مانند بیماری و مرگ، و نیاز به آب و غذاء، و دیگر نیازها، دربارۀ آنها هم صادق است .الله تعالی به نقل از ابراهیم علیه الصلاة والسلام می فرماید که در توصیف پروردگارش چنین گفت :

﴿وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ ٧٩ وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ ٨٠ وَٱلَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحۡيِينِ ٨١﴾ [الشعراء: 79-81]

}و آن کس که او به من خوراک می دهد و سیرابم می گرداند * و چون بیمار شوم او مرا شفا می دهد * و آن کس که مرا می میراند و سپس زنده ام می گرداند] {شعراء : 79-81].

و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ می فرماید» :همانا من انسانی مانند شمایم، چنانکه شما فراموش می کنید من نیز همانند شما دچار فراموشی می شوم، پس چون فراموش کردم مرا یادآور کنید.«

الله تعالی آنان را هنگام ذکر والاترین مقام ها و در سیاق ستایش، وصف بندگی داده است؛ چنانکه دربارۀ نوح ـ صلی الله علیه وسلم ـ می فرماید :

﴿ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ۝٣﴾ [الإسراء: 3]

}او بنده ای شکرگزار بود] {اسراء[3 :، و دربارۀ محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ می فرماید:

﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِۦ لِيَكُونَ لِلْعَٰلَمِينَ نَذِيرًا ۝١﴾ [الفرقان: 1]

} خجسته است آنکه فرقان را بر بنده اش نازل نمود، تا برای جهانیان هشدارگری باشد] {فرقان.[1 :

و دربارۀ ابراهیم و اسحاق و یعقوب ـ صلی الله علیهم وسلم ـ می فرماید:

﴿وَٱذْكُرْ عِبَٰدَنَآ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ أُوْلِي ٱلْأَيْدِي وَٱلْأَبْصَٰرِ ۝٤٥ إِنَّآ أَخْلَصْنَٰهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى ٱلدَّارِ ۝٤٦ وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ ٱلْمُصْطَفَيْنَ ٱلْأَخْيَارِ ۝٤٧﴾ [ص: 45-47]

} و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده ور بودند به یاد آور * ما آنان را با موهبت ویژه ای که یادآوری آن سرای بود خالص گردانیدیم * و آنان در پیشگاه ما از برگزیدگان نیکانند] {ص.[45-47 :

و دربارۀ عیسی بن مریم می فرماید :

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَٰهُ مَثَلًا لِّبَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ۝٥٩﴾ [الزخرف: 59]

}او نیست مگر بنده ای که بر او منت نهادیم و او را سرمشق] و نشانه ای [برای بنی اسرائیل گردانیدیم] {زخرف.[59 :

و ایمان به پیامبران چهار مسئله را در خود دارد:

نخست :ایمان به اینکه رسالت آنان حق و از سوی الله تعالی است، پس هر که به رسالت یکی از آنان کفر بورزد به همه شان کافر شده است، همانطور که الله تعالی می فرماید :

﴿كَذَّبَتۡ قَوۡمُ نُوحٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ١٠٥﴾ [الشعراء: 105]

}قوم نوح به پیامبران کفر ورزیدند} [شعراء. 105]: اینجا آنان را تکذیب کنندۀ همۀ رسولان نامید در حالی که هنگام تکذیب نوح، رسولی دیگر جز او نبود، بر این اساس، نصرانیانی که محمد. صلی الله علیه وسلم. را تکذیب کردند و پیروی اش نکردند؛ مسیح بن مریم را نیز تکذیب کرده اند، و پیرو او نیستند، به ویژه که او آنان را به آمدن محمد. صلی الله علیه وسلم. بشارت داد، و این بشارت معنایی جز این که او رسولی به سوی آنان است ندارد، تا آنان را از گمراهی نجات دهد، و به صراط مستقیم هدایت کند. دوم :ایمان به آن دسته از پیامبران که از آنان نام برده شده، به نام، مانند محمد و ابراهیم و موسی و عیسی و نوح. علیهم الصلاة والسلام. و این پنج تن پیامبران اولوالعزم نام دارند، و الله تعالی آنان را در پنج جا در قرآن نام برده است:

﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِيثَٰقَهُمۡ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٖ وَإِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۖ وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا٧﴾ [الأحزاب: 7]

} و] ای پیامبر، یاد کن آن [هنگامی که از پیامبران پیمان] عبادت الله به یگانگی و نبوت [گرفتیم و] به ویژه [از تو و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی. پسر مریم؛ و از همۀ آنان پیمان محکمی] دربارۀ تبلیغ دین [گرفتیم] {احزاب [7 :و آنجا که می فرماید :

﴿۞شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحٗا وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَمَا وَصَّيۡنَا بِهِۦٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓۖ أَنۡ أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُواْ فِيهِۚ كَبُرَ عَلَى ٱلۡمُشۡرِكِينَ مَا تَدۡعُوهُمۡ إِلَيۡهِۚ ٱللَّهُ يَجۡتَبِيٓ إِلَيۡهِ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِيٓ إِلَيۡهِ مَن يُنِيبُ١٣﴾ [الشورى: 13]

}از دین همان را برای شما مقرر کرد که به نوح امر کرده بود؛ و نیز آنچه به تو وحی کردیم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی امر کردیم؛ اینکه :دین را برپا نگاه دارید و در مورد آن فرقه فرقه نشوید] و اختلاف نورزید] .[پذیرشِ [دعوت تو بر مشرکان گران آمده است .الله است که هر کس را بخواهد] توفیقِ عبادت می دهد

و [به سوی خویش برمی گزینند؛ و هر کس را] که توبه کند و به درگاهش [بازآید، به سوی خویش هدایت خواهد کرد] {شوری .[13 :اما آنهایی که نامشان را نمی دانیم به شکل اجمالی به آنان ایمان می آوریم .الله تعالی می فرماید:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلٗا مِّن قَبۡلِكَ مِنۡهُم مَّن قَصَصۡنَا عَلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّن لَّمۡ نَقۡصُصۡ عَلَيۡكَۗ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأۡتِيَ بِـَٔايَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ فَإِذَا جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ قُضِيَ بِٱلۡحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ٧٨﴾ [غافر: 78]

} و پیش از تو پیامبرانی را فرستادیم که داستان برخی از آنان را برای تو بازگو کرده ایم و برخی دیگر داستانشان را برایت بازگو نکرده ایم] {غافر.[78 :

سوم :راست شمرد هر خبری که آنان داده اند و از طریق صحیح به ما رسیده است.

چهارم :عمل به شریعت آن رسولی که برای ما فرستاده شده که همانا آخرین رسولان، محمد . صلی الله علیه وسلم . است که به سوی همهٔ مردم فرستاده شده است .الله تعالی می فرماید :

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجٗا مِّمَّا قَضَيۡتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسۡلِيمٗا ٦٥﴾ [النساء: 65]

}نه، سوگند به پروردگارت که آنها ایمان نمی آورند، مگر اینکه در اختلافات خویش تو را داور قرار دهند، و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند] {نساء.[65 :

ایمان به پیامبران ثمرات بسیار با ارزش دارد، از جمله:

نخست :علم به رحمت الله تعالی و عنایت او به بندگانش؛ که پیامبرانی را برای هدایت آنان به راه مستقیمش فرستاده؛ و برایشان بیان نموده که چگونه او را عبادت کنند، زیرا عقل بشری به شکل مستقل نمی تواند به این شناخت برسد.

دوم :شکر پروردگار متعال برای این نعمت بزرگ.

سوم :محبت پیامبر . علیهم الصلاة والسلام . و بزرگداشت آنان و ستایش آنها چنان که شایستهٔ آن هستند؛ زیرا آنان فرستادگان الله تعالی هستند که عبادت او را به جای آورده اند، و رسالت او را ابلاغ کرده اند، و برای بندگانش دلسوزی کرده اند.

اما معاندان، پیامبران خود را دروغگو انگاشتند و مدعی شدند که فرستادگان الله تعالی باید از ملائکه باشند .الله تعالی این زعم آنان را ذکر نموده، و آن را باطل دانسته و فرموده است:

﴿وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤۡمِنُوٓاْ إِذۡ جَآءَهُمُ ٱلۡهُدَىٰٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَبَعَثَ ٱللَّهُ بَشَرٗا رَّسُولٗا ٩٤ قُل لَّوۡ كَانَ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَلَٰٓئِكَةٞ يَمۡشُونَ مُطۡمَئِنِّينَ لَنَزَّلۡنَا عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكٗا رَّسُولٗا ٩٥﴾ [الإسراء: 94-95]

} و] چیزی [مردم را از ایمان آوردن باز نداشت آنگاه هدایت برایشان آمد جز اینکه گفتند آیا الله بشری را به عنوان رسول مبعوث کرده است؟ * بگو اگر در روزی زمین ملائکه ای بودند که با اطمینان راه می رفتند البته بر آنان] نیز [ملائکه ای را به عنوان پیامبر از آسمان نازل می کردیم] {اسراء .[95-94 :الله تعالی این زعم را که پیامبر باید حتما از ملائکه باشد اینگونه باطل اعلام می کند، زیرا این پیامبر برای اهل زمین فرستاده شده و آنان بشرند، و اگر اهل زمین از ملائکه بودند برای آنان از آسمان ملائکه ای را به عنوان رسول می فرستاد؛ تا مانند آنان باشد، همچنین الله تعالی به نقل از تکذیب کنندگان پیامبران می فرماید:

﴿۞قَالَتۡ رُسُلُهُمۡ أَفِي ٱللَّهِ شَكّٞ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يَدۡعُوكُمۡ لِيَغۡفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُؤَخِّرَكُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ قَالُوٓاْ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا فَأۡتُونَا بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ١٠ قَالَتۡ لَهُمۡ رُسُلُهُمۡ إِن نَّحۡنُ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ وَمَا كَانَ لَنَآ أَن نَّأۡتِيَكُم بِسُلۡطَٰنٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١١﴾ [إبراهيم: 10-11]

} گفتند :شما جز بشری مانند ما نیستید، می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند باز دارید پس برای ما حجتی آشکار بیاورید * پیامبرانشان به آنان گفتند :ما جز بشری مثل شما نیستیم ولی الله بر هر یک از بندگانش که بخواهد منت می نهد،

و ما) هرگز (نمی توانیم) وحق نداریم (معجزه وحجتی به جز به فرمان الله برایتان بیاوریم] {ابراهیم.[10-11 :

*

ایمان به روز بازپسین) آخرت(

روز بازپسین :روز قیامت که مردم در آن برای حساب و جزا برانگیخته می شوند.

و این روز از آنجایی روز آخرت نامیده؛ زیرا بعد از آن روزی نیست؛ آنجا که اهل بهشت در منازل خود جای می گیرند، و اهل دوزخ نیز در منازل خود مستقر می شوند.

و ایمان به آخرت سه امر را در خود دارد:

نخست :ایمان به رستاخیز :یعنی زنده شدن مردگان، هنگامی که برای بار دوم در صور دمیده می شود؛ پس مردم برای پروردگار جهانیان به پا می خیزند، در حالی که پا برهنه و عریان هستند، و لباسی ندارند و ختنه نشده هستند .الله تعالی می فرماید :

﴿يَوۡمَ نَطۡوِي ٱلسَّمَآءَ كَطَيِّ ٱلسِّجِلِّ لِلۡكُتُبِۚ كَمَا بَدَأۡنَآ أَوَّلَ خَلۡقٖ نُّعِيدُهُۥۚ وَعۡدًا عَلَيۡنَآۚ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ١٠٤﴾ [الأنبياء: 104]

}همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم دوباره آن را بازمی گردانیم، وعده ای است بر عهدۀ ما که ما انجام دهندۀ آنیم] {انبیاء.[104 :

و رستاخیز، حق است و بر اساس کتاب و سنت و اجماع مسلمانان، ثابت است.

الله تعالی می فرماید :

﴿ثُمَّ إِنَّكُم بَعۡدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ١٥ ثُمَّ إِنَّكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ تُبۡعَثُونَ١٦﴾ [المؤمنون: 15-16]

}سپس شما بعد از آن قطعا خواهید مرد * آنگاه شما در روز رستاخیز برانگیخته خواهید شد] {مؤمنون.[15-16 :

و پیامبر . صلی الله علیه وسلم . می فرماید» :مردم در روز قیامت پا برهنه و لخت و ختنه نشده محشور می شوند .«متفق علیه.

و مسلمانان بر اثبات آن اجماع دارند و این مقتضای حکمت است؛ زیرا لازم است که الله تعالی برای این مردمان معادی قرار دهد، تا آنان را برای آنچه توسط پیامبران برایشان مشروع ساخته جزا دهد .الله تعالی می فرماید:

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَٰكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ١١٥﴾ [المؤمنون: 115]

} آیا پنداشته اید که شما را بیهوده آفریده ایم و همانا شما به سوی ما باز گردانده نمی شوید ؟] {!مؤمنون [115 :و خطاب به پیامبرش . صلی الله علیه وسلم . می فرماید:

﴿إِنَّ ٱلَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ ٱلْقُرْءَانَ لَرَآدُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍۚ قُل رَّبِّيٓ أَعْلَمُ مَن جَآءَ بِٱلْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ٨٥﴾ [القصص: 85]

}در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقینا تو را به سوی وعده گاه باز می گرداند] {قصص.[85 :

دوم :ایمان به حساب و جزا :بنده برای عملش محاسبه خواهد شد، و برای آن پاداش داده می شود، و کتاب و سنت و اجماع مسلمانان دال بر این است.

الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّ إِلَيْنَآ إِيَابَهُمْ ٢٥ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم ٢٦﴾ [الغاشية: 25-26]

} در حقیقت بازگشت آنان به سوی ماست * آنگاه حساب آنان بر عهدهٔ ماست {]غاشیه [25-26 :و می فرماید :

﴿مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ عَشْرُ أَمْثَالِهَاۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ١٦٠﴾ [الأنعام: 160]

}هرکس یک نیکی بیاورد برایش ده برابر آن] پاداش [است، و کسی که بدی بیاورد جز به اندازهٔ آن جزا داده نمی شود، و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند] {انعام [160 :
و می فرماید:

﴿وَنَضَعُ ٱلۡمَوَٰزِينَ ٱلۡقِسۡطَ لِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَلَا تُظۡلَمُ نَفۡسٞ شَيۡـٔٗاۖ وَإِن كَانَ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٍ أَتَيۡنَا بِهَاۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ٤٧﴾ [الأنبياء: 47]

} روز قیامت، ما ترازوهای عدل را] برای حسابرسی در میان [می نهیم؛ آن گاه به هیچ کس] کمترین [ستمی نمی شود؛ و اگر] کردارشان [همسنگِ دانهٔ خَردَلی باشد، آن را] به حساب [می آوریم؛ و کافی است که ما حسابرس باشیم] {انبیاء .[47 :و از ابن عمر . رضی الله عنهما . روایت است که پیامبر . صلی الله علیه وعلی آله وسلم . فرمودند» :الله به مؤمن نزدیک می شود تا آنکه پوشش خود را بر او می اندازد، و او را ستر می کند و می فرماید :آیا فلان گناه را یادت است؟ آیا فلان گناه را یادت است؟ و او می گوید بله پروردگارا، تا آنکه او را به گناهانش معترف ساخت و او در دل به هلاکت خود اطمینان یافت می فرماید :آن را در دنیا بر تو پوشاندم و امروز بر تو می آمرزم، پس نامهٔ نیکی هایشان را به او می دهند، اما بر کافران و منافقان در جمع خلایق ندا زده می شود که اینها بر پروردگارشان دروغ بستند، بدانید که لعنت الله بر ستمگران است « متفق علیه.

و از پیامبر . صلی الله علیه وسلم . به صحت رسیده که فرمودند» :کسی که تصمیم به انجام کار نیکی بگیرد و انجامش دهد؛ الله برایش ده پاداش تا هفتصد برابر تا بیشتر می نویسد، و کسی که تصمیم به انجام بدی گیرد و انجامش دهد؛ الله برایش یک بدی می نویسد.«

و مسلمان بر ثابت بودن حساب و کتاب و جزا بر اعمال اتفاق نظر دارند، و این مقتضای حکمت است؛ زیرا الله تعالی کتابها را نازل نموده، و پیامبران را فرستاده، و بر بندگانش فرض نموده که آنچه آنان آورده اند را بپذیرند، و به آنچه عمل بدان واجب است عمل کنند، و نبرد با مخالفان را واجب کرده و خون آنان را نیز حلال نموده، و فرزندان، و زنانشان، و اموالشان را، بر ایشان روا ساخته است .حال اگر حساب و جزایی نبود همهٔ این ها کارهایی بیهوده بود که پروردگار حکیم از آن منزه است، و الله تعالی به این اشاره نموده و می فرماید:

﴿فَلَنَسۡـَٔلَنَّ ٱلَّذِينَ أُرۡسِلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَنَسۡـَٔلَنَّ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٦ فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيۡهِم بِعِلۡمٖۖ وَمَا كُنَّا غَآئِبِينَ ٧﴾ [الأعراف: 6-7]

} پس قطعا از کسانی که] پیامبران [به سوی آنان فرستاده شده اند خواهیم پرسید و قطعا از] خود [فرستادگان] نیز [خواهیم پرسید] {اعراف.[7-6 :

سوم :ایمان به بهشت و دوزخ و اینکه این دو فرجام ابدی بندگان است.

بهشت سرزمین رفاه و نعمت است که الله تعالی برای مؤمنان متقی فراهم ساخته، آنان که به آنچه الله ایمان به آن را واجب ساخته ایمان آورده اند، و طاعت الله و پیامبرش را انجام داده اند، و در این طاعت خود برای الله مخلص بوده، و از پیامبرش پیروی کرده اند .در بهشت انواع نعمتهاست که» چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به دل انسانی خطور نکرده است .«الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ خَيۡرُ ٱلۡبَرِيَّةِ ٧ جَزَآؤُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٍ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَشِيَ رَبَّهُۥ ٨﴾ [البينة: 7-8]

} همانا کسانیکه به الله ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند، اینها بهترین مخلوقات هستند * پاداش آنان نزد پروردگارشان، باغهای] بهشت [جاویدان است که جویبارها از زیر] درختان [آن جاری است؛ همیشه در آن خواهند ماند؛ الله از]اعمال [آنها راضی است و آنان] نیز [از] پاداشِ [او راضیند؛ و این] مقام و پاداش، [برای کسی است که از پروردگارش بترسد] {بینه [8-7 :و الله تعالی می فرماید:

﴿فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٧﴾ [السجدة: 17]

} هیچ کس نمیداند به] پاس [آنچه] این مؤمنان در دنیا [انجام میدهند، چه]بسیار مایۀ [روشنی چشم ها برایشان نهفته است] {سجده .[17 :اما دوزخ، سرزمین عذاب است که الله تعالی برای کافران ستمگر فراهم ساخته، آنان که به او کفر ورزیدند و از پیامبرانش سرپیچی نمودند .در آنجا انواع عذاب و ذلت هست که به دل هم خطور نمی کند، الله تعالی می فرماید :

﴿وَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِيٓ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ١٣١﴾ [آل عمران: 131]

}از دوزخی بهراسید که برای کافران آماده شده است] {آل عمران[131 :

﴿وَقُلِ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَن شَآءَ فَلۡيُؤۡمِن وَمَن شَآءَ فَلۡيَكۡفُرۡۚ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمۡ سُرَادِقُهَاۚ وَإِن يَسۡتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَآءٖ كَٱلۡمُهۡلِ يَشۡوِي ٱلۡوُجُوهَۚ بِئۡسَ ٱلشَّرَابُ وَسَآءَتۡ مُرۡتَفَقًا ٢٩﴾ [الكهف: 29]

الله تعالى می فرماید :و بگو] :این قرآن [حق است از سوی پروردگارتان، پس هر کس می خواهد ایمان بیاورد، و هرکس میخواهد کافر گردد .ما برای ستمکاران آتشی آماده کرده ایم که سرا پرده اش آنان را از هر طرف احاطه کرده است .و اگر تقاضای آب کنند، آبی، همچون فلز گداخته که صورتها را بریان می کند، برای آنان می آورند، چه بد نوشیدنی، و چه بد آرامگاهی است] {کهف [29 :و می فرماید :

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمۡ سَعِيرًا ٦٤ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ لَّا يَجِدُونَ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ٦٥ يَوۡمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَٰلَيۡتَنَآ أَطَعۡنَا ٱللَّهَ وَأَطَعۡنَا ٱلرَّسُولَا۠ ٦٦﴾ [الأحزاب: 64-66]

}الله کافران را نفرین کرده و برایشان دوزخی آماده نموده که تا ابد در آن جاودان می مانند .روزی که چهره هایشان در آتش دوزخ دگرگون می شود،] با پشیمانی [می گویند :ای کاش از الله و پیامبر اطاعت کرده بودیم] {احزاب.[64-66 :

و ایمان به آخرت ثمرات بسیار با ارزشی دارد، از جمله:

نخست :ایجاد رغبت در انجام طاعت، و تلاش در این راه؛ به امید ثواب آن روز.

دوم :ترس از انجام گناهان، و از خشنود شدن به گناهان؛ از ترس مجازات آن روز.

سوم :امید به نعمت و رفاه آخرت و ثواب آن، نوعی دلداری برای مؤمن است در برابر چیزهایی که در این دنیا از دست می دهد.

کافران برانگیخته شدن پس از مرگ را انکار کردند؛ و مدعی شدند که چنین چیزی غیر ممکن است.

اما این زعمی است باطل، که شرع و حس و عقل، دال بر بطلان آن است.

اما شرع، چنین است که الله تعالی می فرماید :

﴿زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن لَّن يُبۡعَثُواْۚ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبۡعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلۡتُمۡۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٧﴾ [التغابن: 7]

}کسانی که کافر شدند، گمان بردند که هرگز برانگیخته نخواهند شد .بگو :آری؛ به پروردگارم سوگند، یقیناً] همه [برانگیخته خواهید شد؛ آنگاه از آنچه می کردید به شما خبر خواهند داد؛ و این] کار [بر الله آسان است] {تغابن .[7 :و همهٔ کتابهای آسمانی بر این اتفاق نظر دارند.

اما دلالت حس :الله تعالی در همین دنیا زنده شدن مردگان را به بندگانش نشان داده است، و در سورهٔ بقره پنج مثال بر آن آمده است:

مثال نخست :قوم موسی، هنگامی که به او گفتند :

﴿وَإِذۡ قُلۡتُمۡ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ جَهۡرَةٗ فَأَخَذَتۡكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ ٥٥﴾ [البقرة: 55]

}به تو ایمان نمی آوریم تا آنکه الله را آشکارا ببینیم] {بقره [55 :پس الله آنان را میراند، سپس زنده کرد، و در همین باره الله تعالی خطاب به بنی اسرائیل می فرماید :

﴿وَإِذۡ قُلۡتُمۡ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ جَهۡرَةٗ فَأَخَذَتۡكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ ٥٥ ثُمَّ بَعَثۡنَٰكُم مِّنۢ بَعۡدِ مَوۡتِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٥٦﴾ [البقرة: 55-56]

}و] به یاد آورید [هنگامی را که گفتید :ای موسی !ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم، مگر اینکه الله را آشکارا ببینیم .پس صاعقه شما را گرفت، در حالیکه مینگریستید، سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم شاید که شکرگزاری کنید] {بقره .[55-56 :

مثال دوم :در داستان مقتولی که بنی اسرائیل دربارهٔ او به داوری آمدند، پس الله تعالی آنان را امر کرد تا ماده گاوی را ذبح کنند و گوش آن را به او بزنند؛ تا به آنان بگوید که چه کسی او را کشته است، و در این باره الله تعالی می فرماید:

﴿وَإِذۡ قَتَلۡتُمۡ نَفۡسٗا فَٱدَّٰرَٰٔتُمۡ فِيهَاۖ وَٱللَّهُ مُخۡرِجٞ مَّا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ ٧٢ فَقُلۡنَا ٱضۡرِبُوهُ بِبَعۡضِهَاۚ كَذَٰلِكَ يُحۡيِ ٱللَّهُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَيُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٧٣﴾ [البقرة: 72-73]

} و] به یاد آورید [هنگامی که فردی را کشتید و دربارۀ] قاتلِ [او به نزاع پرداختید و الله چیزی را که پنهان می کردید آشکار نمود * اینگونه الله مردگان را زنده می کند و آیاتش را به شما نشان می دهد، باشد که تعقل پیشه سازید] {بقره .[73-72: مثال سوم :در داستان کسانی که از ترس مرگ از دیار خود گریختند و هزاران تن بودند؛ پس الله تعالی آنان را میراند، و سپس زنده کرد، و در این باره می فرماید:

﴿۞ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَهُمۡ أُلُوفٌ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِ فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُواْ ثُمَّ أَحۡيَٰهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ ٢٤٣﴾ [البقرة: 243]

} آیا ندیدی کسانی را که از ترس مرگ از خانه های خود بیرون شدند در حالی که هزاران نفر بودند؟ پس الله به آنان گفت» :بمیرید «سپس آنها را زنده کرد، همانا الله بر مردم بخشش و فضل دارد، ولی بیشتر مردم شکر بجا نمی آورند] {بقره .[243 :
مثال چهارم :در داستان آنکه از کنار روستای متروکه با مردمان مرده گذشت، و این را بعید دانست که الله آنان را زنده بگرداند؛ پس الله او را صد سال میراند، سپس زنده کرد و در این باره فرمود:

﴿أَوۡ كَٱلَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرۡيَةٖ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحۡيِۦ هَٰذِهِ ٱللَّهُ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۖ فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ مِاْئَةَ عَامٖ ثُمَّ بَعَثَهُۥۖ قَالَ كَمۡ لَبِثۡتَۖ قَالَ لَبِثۡتُ يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖۖ قَالَ بَل لَّبِثۡتَ مِاْئَةَ عَامٖ فَٱنظُرۡ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمۡ يَتَسَنَّهۡۖ وَٱنظُرۡ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجۡعَلَكَ ءَايَةٗ لِّلنَّاسِۖ وَٱنظُرۡ إِلَى ٱلۡعِظَامِ كَيۡفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكۡسُوهَا لَحۡمٗاۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥ قَالَ أَعۡلَمُ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٥٩﴾ [البقرة: 259]

} یا همچون آن کس که از شهری] ویران و متروک [که سقف ها و دیوارهایش فروریخته بود گذشت] .او با خود [گفت :چگونه الله] اهالی [این] دیار [را پس از مرگشان زنده می کند؟ پس الله او را] به مدت [صد سال میراند] و [سپس زنده کرد،]و به او [گفت :چه مدت] در این حال [مانده ای؟ گفت» :یک روز یا بخشی از یک روز] در این حال [مانده ام .فرمود :چنین نیست؛ صد سال] در چنین حالی [مانده ای .به خوردنی و نوشیدنی ات بنگر که با گذشت زمان دگرگون نشده است و به اُلاغِ خود بنگر] که چگونه متلاشی شده است .ما چنین کردیم تا به سؤالت پاسخ گوییم [

و تو را برای مردم نشانه ای] در مورد معاد [قرار دهیم] .اکنون [به استخوانه ای آن]حیوان [نگاه کن، که چگونه آنها را به هم پیوند می دهیم و سپس گوشت بر آن می پوشانیم .پس هنگامی که] قدرت الهی بر زنده کردن مردگان [برایش آشکار شد، گفت] :به یقین [می دانم که الله بر هر کاری تواناست] {بقره .[259 :مثال :پنجم :در داستان ابراهیم خلیل، هنگامی که از الله تعالی خواست که به او نشان دهد چگونه مردگان را زنده می گرداند؛ پس الله امرش نمود که چهار پرنده را ذبح کند، و آنها را تکه تکه و پراکنده بر کوه های اطراف خود قرار دهد، سپس آنان را صدا بزند؛ آنگه تکه های پرندگان به هم می پیوندد و به سوی ابراهیم می آیند .الله در این باره می فرماید:

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّ أَرِنِي كَيۡفَ تُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰۖ قَالَ أَوَلَمۡ تُؤۡمِنۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطۡمَئِنَّ قَلۡبِيۖ قَالَ فَخُذۡ أَرۡبَعَةٗ مِّنَ ٱلطَّيۡرِ فَصُرۡهُنَّ إِلَيۡكَ ثُمَّ ٱجۡعَلۡ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٖ مِّنۡهُنَّ جُزۡءٗا ثُمَّ ٱدۡعُهُنَّ يَأۡتِينَكَ سَعۡيٗاۚ وَٱعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٢٦٠﴾ [البقرة: 260]

} و] به یاد بیاور [هنگامی را که ابراهیم گفت :پروردگارا !به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟ فرمود :مگر ایمان نیاورده ای؟ !گفت :چرا، ولی] می خواهم [که قلبم آرام بگیرد .فرمود :پس چهار پرنده را برگیر، آنگاه آنها را پیش خود قطعه قطعه کن] و در هم بیامیز [سپس بر هر کوهی قسمتی از آن را بگذار، آنگاه آنها را بخوان؛ شتابان به سوی تو می آیند، و بدان که الله توانمند حکیم است] {بقره.[260 :

اینها همه مثالهایی حسی و واقعی هستند دال بر امکان زنده شدن مردگان، و پیشتر به معجزه هایی که الله برای عیسی بن مریم قرار داده بود و مردگان را به اذن او زنده می کرد، و آنان را از قبرهایشان بیرون می آورد اشاره کردیم.

اما دلالت عقل پس از دو وجه است:

نخست :الله تعالی به وجود آورندۀ آسمانها و زمین، و هر آنچه در آنها وجود دارد است، که آنان را از ابتدا آفریده، و آنکه بر خلقت ابتدایی بندگان قادر بوده، از بازگرداندن آنان ناتوان نیست .الله تعالی می فرماید :

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِۚ وَلَهُ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٧﴾ [الروم: 27]

}و او ذاتی است که آفرینش را] بدون نمونۀ قبلی [آغاز می کند، سپس آن را] پس از نابود کردنش بازمی گرداند [و] بازگرداندن از آغاز کردن [آسانتر است] {روم .[27 : و می فرماید :

﴿يَوۡمَ نَطۡوِي ٱلسَّمَآءَ كَطَيِّ ٱلسِّجِلِّ لِلۡكُتُبِۚ كَمَا بَدَأۡنَآ أَوَّلَ خَلۡقٖ نُّعِيدُهُۥۚ وَعۡدًا عَلَيۡنَآۚ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ١٠٤﴾ [الأنبياء: 104]

}همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم دوباره آن را بازمی گردانیم، وعده ای است بر عهدۀ ما، که ما انجام دهندۀ آنیم] {انبیاء .[104 :و امر نموده که به کسانی که زنده شدن استخوان های خاکستر شده را انکار می کنند، پاسخ داده شود و گفته شود:

﴿قُلۡ يُحۡيِيهَا ٱلَّذِيٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٖۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلۡقٍ عَلِيمٌ٧٩﴾ [یس: 79]

} بگو :همان ذاتی زنده اش می کند که نخستین بار آن را پدید آورد و او به هر آفرینشی داناست] {یس .[79 :دوم :اینکه زمین مرده است و خفته، و در آن هیچ درخت و گیاه سبزی نیست؛ پس بر آن باران را نازل می سازد؛ و زمین به حرکت می آید و سبز و زنده می شود، که در آن از هر گیاه زیبایی می رویاند، و کسی که قادر است آن را پس از مرگش زنده گرداند، بر احیای مردگان نیز تواناست .الله تعالی می فرماید :

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلۡأَرۡضَ خَٰشِعَةٗ فَإِذَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡهَا ٱلۡمَآءَ ٱهۡتَزَّتۡ وَرَبَتۡۚ إِنَّ ٱلَّذِيٓ أَحۡيَاهَا لَمُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰٓۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ٣٩﴾ [فصلت: 39]

}از جمله نشانه های] قدرت [الهی این است که زمین خشک و فرسوده را می بینی که چون باران بر آن فرو می ریزیم، به جنبش درمی آید و] گیاهانش [رشد می کند؛ آن] پروردگار توانمندی [که زمین را زنده می کند، مردگان را نیز زنده خواهد کرد . به راستی که او تعالی بر هر کاری تواناست] {فصلت .[39 :و الله تعالی می فرماید :

﴿وَنَزَّلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ مُّبَٰرَكٗا فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ جَنَّٰتٖ وَحَبَّ ٱلۡحَصِيدِ٩ وَٱلنَّخۡلَ بَاسِقَٰتٖ لَّهَا طَلۡعٞ نَّضِيدٞ١٠ رِّزۡقٗا لِّلۡعِبَادِۖ وَأَحۡيَيۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗاۚ كَذَٰلِكَ ٱلۡخُرُوجُ١١﴾ [ق: 9-11]

}و بارانی پر برکت از آسمان فرستادیم و با آن، باغ‌ها]ی میوه [و] مزارعِ [دانه]های [درو کردنی رویاندیم * و درختان سرکشیدۀ خرما با خوشه های برهم نشسته] * همۀ اینها را [برای روزی بندگان] رویانیدیم [و با آن] باران [سرزمین مرده را زنده کردیم، بر آمدن] از گور و زنده شدن نیز [چنین است] {ق.[11-9 :

ایمان به هر آنچه پس از مرگ رخ می دهد نیز به ایمان به آخرت پیوسته است، مانند:

)الف (فتنۀ قبر :که همان پرسش از میت پس از دفن اوست که دربارۀ پروردگارش، و دینش، و پیامبرش؛ از او پرسیده می شود، پس الله، آنان را که ایمان آورده اند با قول پایدار ثابت نگه می دارد، پس مؤمن می گوید :پروردگارم الله، و دینم اسلام، و پیامبرم محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ است .و الله ستمگران را گمراه می سازد، در نتیجه کافر می گوید :هاه، هاه، نمی دانم، و منافق و صاحب شک می گوید :نمی دانم، می شنیدم که مردم چیزی می گویند و من هم می گفتم) .ب (عذاب قبر و خوشی آن :پس عذاب آن متوجه ستمگران از جمله منافقان و کافران خواهد بود .الله تعالی می فرماید:

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمۡ يُوحَ إِلَيۡهِ شَيۡءٞ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثۡلَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۗ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي غَمَرَٰتِ ٱلۡمَوۡتِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓاْ أَيۡدِيهِمۡ أَخۡرِجُوٓاْ أَنفُسَكُمُۖ ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَكُنتُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِهِۦ تَسۡتَكۡبِرُونَ ٩٣﴾ [الأنعام: 93]

} و کاش ستمکاران را در گردابهای مرگ می دیدی که ملائکه] به سوی آنان [دستهایشان را گشوده اند] و نهیب می زنند که [جانهایتان را بیرون دهید، امروز عذاب خفت باری در برابر آنچه ناحق بر الله می گفتید، و نسبت به آیات او تکبّر ورزیدید، خواهید دید] {«انعام.[93 :

و الله تعالی دربارۀ آل فرعون می فرماید :

﴿ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ ٤٦﴾ [غافر: 46]

}آتش] دوزخ است [که هر صبح و شام بر آن عرضه می شوند .و روزی که قیامت بر پا می شود] گفته می شود [آل فرعون را در سخت ترین عذاب وارد کنید] {غافر : 46].

و در صحیح مسلم از زید بن ثابت . رضی الله عنه . روایت است که رسول الله . صلی الله علیه وسلم . فرمودند» :اگر ترس این نبود که] مردگان [یکدیگر را دفن نکنید، از الله می خواستم که بخشی از صدای عذاب قبر را که من می شنوم به شما بشنواند «سپس رو به ما کرد و فرمود» :از عذاب قبر به الله پناه ببرید .«گفتند :از عذاب قبر به الله پناه می بریم، فرمود» :از فتنه ها به الله پناه ببرید، هم آنچه آشکار است و هم پنهان «گفتیم : از فتنه ها چه آشکار و چه پنهان به الله پناه می بریم، فرمود» :از فتنۀ دجال به الله پناه ببرید «گفتیم :از فتنۀ دجال به الله پناه می بریم.

اما خوشی قبر برای مؤمنان صادق است .الله تعالی می فرماید :

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَبۡشِرُواْ بِٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ۝٣٠﴾ [فصلت: 30]

}کسانی که گفتند :پروردگار ما الله است، سپس پایداری کردند،] هنگام فرا رسیدن مرگشان [فرشتگان بر آنان فرود می آیند،] و می گویند [:نترسید و اندوه نداشته باشید؛ و شما را بشارت باد بر بهشتی که به آن وعده داده می شدید] {فصلت : 30].

و می فرماید :

﴿فَلَوۡلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلۡحُلۡقُومَ۝٨٣ وَأَنتُمۡ حِينَئِذٖ تَنظُرُونَ۝٨٤ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُبۡصِرُونَ۝٨٥ فَلَوۡلَآ إِن كُنتُمۡ غَيۡرَ مَدِينِينَ۝٨٦ تَرۡجِعُونَهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ۝٨٧ فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ۝٨٨ فَرَوۡحٞ وَرَيۡحَانٞ وَجَنَّتُ نَعِيمٖ۝٨٩﴾ [الواقعة: 83-89]

}آنگاه که] جان نزدیکانتان [به گلوگاه می رسد * و شما در این هنگام نگاه می کنید *و ما از شما به او نزدیکتریم اما شما نمی بینید * پس اگر] در برابر اعمالتان [جزا داده نمی شوید * او را باز گردانید اگر راست می گویید * پس اما اگر] آن مرده [از

مقربان باشد * پس] در [آسایش و ریحان و باغ] بهشت [پرنعمت است] {واقعه-83 : 89].

و از بَراء بن عازب . رضی الله عنه . روایت است که پیامبر . صلی الله علیه وسلم . دربارۀ مؤمنی که پاسخ دو ملائکه را در قبر می دهد، فرمود» :ندا دهنده ای از آسمان ندا می دهد که بنده ام راست گفت، پس از بهشت برای او بگسترانید و از بهشت به او بپوشانید و دری به سوی بهشت برایش باز کنید، پس از گشایش بهشت و عطر آن به او می رسد، و برایش در قبرش تا جایی که چشمانش می بیند گشوده می شود .«این را احمد و ابوداوود در حدیثی طولانی روایت کرده اند.

گروهی از اهل گمراهی به خطا رفته و عذاب و خوشی قبر را انکار کرده اند، به این گمان که چنین چیزی مخالف واقع است .آنان می گویند :اگر از میتی را که در قبر خود است آشکار سازیم آن را همانطور که بوده خواهیم دید، و قبر نه وسیع شده و نه تنگ.

اما این گمانی است باطل بر اساس شرع و حس و عقل:

بر اساس شرع :زیرا نصوصی که بیان شده همه دال بر اثبات عذاب قبر و خوشی آن است.

در صحیح بخاری از عبدالله بن عباس . رضی الله عنهما . روایت است که گفت : »پیامبر . صلی الله علیه وسلم . از برخی دیوارهای مدینه) باغهای مدینه (خارج شد؛ و صدای دو انسان را شنید که در قبرهایشان عذاب می شدند «سپس حدیث را بیان کرد، و در آن آمده که» :یکی از آن دو خود را از ادرار حفظ نمی کرد «و در روایتی دیگر» از ادرار خود «و اینکه دیگری سخن چینی می کرد، و در روایت مسلم» :از ادرار خود را پاک نگه نمی داشت.«

اما حس :انسان در خواب خوب می بیند که در جایی وسیع و دلباز است، که در آنجا به او خوش می گذرد، یا خود را در جایی تنگ و دلتنگ و ترسناک می بیند، که از آن به درد می آید، و گاه از شدت آنچه می بیند از خواب بیدار می شود، این در حالی است که بر بستر خود در اتاقش خوابیده همانطور که بود،] بدون آنکه در ظاهر تفاوتی رخ داده باشد [و خواب برادر مرگ است؛ برای همین الله تعالی خواب را نیز» وفات « نامیده است .الله تعالی می فرماید:

﴿ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ حِينَ مَوۡتِهَا وَٱلَّتِي لَمۡ تَمُتۡ فِي مَنَامِهَاۖ فَيُمۡسِكُ ٱلَّتِي قَضَىٰ عَلَيۡهَا ٱلۡمَوۡتَ وَيُرۡسِلُ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ٤٢﴾ [الزمر: 42]

} الله جان ها را در لحظهٔ مرگ می گیرد و] نیز [جان کسی را که نمرده است، به هنگام خوابش] می گیرد[؛ آن گاه جان هایی را که حکم مرگ بر آنها رانده است، نگه می دارد و جانِ دیگران را تا هنگام معین] مرگ [بازپس می فرستد .در این] امر [برای هر کس که بیندیشد، نشانه هایی] از قیامت [است] {زمر .[42 :اما از نظر عقلی : آنکه در خواب است و رویای حق می بیند که مطابق با واقعیت است، و چه بسا پیامبر صلی الله علیه وسلم .را چنانکه هست می بیند، و آنکه ایشان را بر اساس صفات ایشان ببیند؛ در حقیقت خود ایشان را دیده است، اما با این حال در اتاقش و بر بستر خود و دور از چیزی است که دیده است، حال اگر چنین چیزی در احوال دنیا امکان دارد، آیا نمی تواند دربارهٔ احوال آخرت ممکن باشد؟!

اما اینکه ادعا می کنند اگر میت را از درون قبرش ببینند؛ او را چنان می بینند که بود، و قبر نه وسیع شده و نه تنگ؛ پاسخش از چند وجه است، از جمله:

نخست :مخالفت با آنچه در شرع آمده با چنین شبهات سستی درست نیست؛ شبهاتی که اگر خود آن مخالف در آنچه شرع آورده دقت کند، به بطلان آن پی می برد . و گفته شده:

چه بسیارند آنان که با سخن درست مخالفت می کنند.

حال آنکه اشکالش در فهم غلط است.

دوم :احوال برزخ از امور غیب است که حس قادر به درک آن نیست، و اگر چنین چیزی با حس درک می شد دیگر ایمان به غیب فایده ای نداشت، و مؤمنان به غیب و منکران در باور به آن برابر می شدند.

سوم :عذاب قبر و خوشی آن و وسیع شدن و تنگ شدن قبر را تنها خود میت حس می کند نه دیگران، و این چنان است که شخص در خواب خود می بیند که مثلا در جایی تنگ و ترسناک یا در جایی وسیع و شاد است، و آنانی که اطراف او هستند نه این را می

بینند و نه حسش می کنند، و پیامبر . صلی الله علیه وسلم . در حالی که میان یاران خود بودند بر ایشان وحی نازل می شود؛ و صدای وحی را می شنیدند، و اصحابشان این را نمی شنیدند، و چه بسا آن ملائکه به شکل یک مرد در برابر ایشان آشکار می شدند، و اصحاب آن مرد را نمی دیدند و صدایش را نیز نمی شنیدند .چهارم :درک بندگان به اندازهٔ توانایی های است که الله برای آنان قرار داده، و آنان نمی توانند همهٔ موجودات را درک کنند .آسمانهای هفتگانه، و زمین، و هر چه در آنهاست، و هر چیزی الله را تسبیحی حقیقی می گوید، که الله تعالی گاه صدای آن تسبیح را به هر یک از بندگانش که بخواهد می شنواند، اما با این حال صدای این تسبیح از ما پنهان شده است، و الله تعالی در این باره می فرماید :

﴿تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ ٱلسَّبۡعُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمۡدِهِۦ وَلَٰكِن لَّا تَفۡقَهُونَ تَسۡبِيحَهُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا ٤٤﴾ [الإسراء: 44]

}آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر کس در آنهاست او را به پاکی می ستایند؛ و هیچ چیز نیست مگر آنکه او را به پاکی یاد می کند؛ ولی شما تسبیح آنان را درنمی یابید .بی تردید، او همواره بردبار] و [آمرزنده است] {اسراء [44 :شیاطین و جنیان نیز به همین شکل در زمین در حال آمد و شد هستند، و جنیان به حضور پیامبر . صلی الله علیه وسلم . آمدند و به قرائت ایشان گوش سپردند، و سپس برای هشدار به نزد قوم خویش بازگشتند، با این حال فهم آنان از ما پنهان شده است، و الله تعالی در این باره می فرماید:

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ وُقِفُواْ عَلَى ٱلنَّارِ فَقَالُواْ يَٰلَيۡتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢٧﴾ [الأنعام: 27]

}ای فرزندان آدم،] آگاه باشید که [شیطان شما را نفریبد چنان که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد و لباس آن دو را از تنشان] بیرون [کشید تا شرمگاهشان را به آنان نشان دهد .بی تردید، او و گروهش، از جایی که آنها را نمی بینید، شما را می بینند .به راستی که ما شیاطین را دوستان کسانی قرار داده ایم که ایمان نمی آورند {]اعراف [27 :و چون ادراک خلق همهٔ موجودات را در بر نمی گیرد؛ درست نیست که هر چه از امور غیب را که اثبات شده اما احساسش نمی کنند، انکار کنند.

*

ایمان به تقدیر

قَدَر) با فتحه بر دال :(تقدیر الله تعالی برای کائنات است، چنانکه در علمش گذشته، و حکمتش اقتضا کرده است.

ایمان به قَدَر چهار امر را در بر می گیرد:

نخست :ایمان به اینکه الله تعالی به هر چیزی عالم است، علم به کلیات و جزئیات، علم ازلی و ابدی، چه آن چیز متعلق به کارهای خودش باشد، یا کارهای بندگان.

دوم :ایمان به اینکه الله تعالی آن را در لوح محفوظ نوشته و دربارۀ این دو الله تعالی می فرماید:

﴿أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَٰبٍۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٧٠﴾ **[الحج: 70]**

} آیا ندانسته ای که الله آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟ بی گمان [همۀ اینها در کتابی] ثبت [است .مسلماً این] کار [بر الله آسان است] {حج.[70 :

و در صحیح مسلم از عبدالله بن عمرو العاص . رضی الله عنه . روایت است که گفت :از رسول الله . صلی الله علیه وسلم . شنیدم که می فرمود» :الله تقدیرهای خلایق را پنجاه هزار سال پیش از آفرینش آسمان ها و زمین نوشته است.«

سوم :ایمان به اینکه همۀ کائنات جز با مشیت الهی وجود نخواهند داشت، چه آنهایی که متعلق به فعل اویند، و چه آنهایی که متعلق به فعل مخلوقات هستند .الله تعالی دربارۀ آنچه متعلق به فعل اوست می فرماید :

﴿وَرَبُّكَ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخۡتَارُۗ مَا كَانَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٨﴾ **[القصص: 68]**

}و پروردگار تو هر چه بخواهد می آفریند، و] هر چه بخواهد [بر می گزیند {]قصص .[68 :و می فرماید :

﴿يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡقَوۡلِ ٱلثَّابِتِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَيُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلظَّٰلِمِينَۚ وَيَفۡعَلُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ ٢٧﴾ [إبراهيم: 27]

}و الله هر چه بخواهد انجام می دهد] {ابراهيم [27 :و می فرمايد:

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُصَوِّرُكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ كَيۡفَ يَشَآءُۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٦﴾ [آل عمران: 6]

} اوست که شما را هر گونه که بخواهد در رحِم ها شکل می دهد] {آل عمران : [6و دربارۀ آنچه مربوط به فعل بندگان است، می فرمايد:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوۡمِۭ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٌ أَوۡ جَآءُوكُمۡ حَصِرَتۡ صُدُورُهُمۡ أَن يُقَٰتِلُوكُمۡ أَوۡ يُقَٰتِلُواْ قَوۡمَهُمۡۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَسَلَّطَهُمۡ عَلَيۡكُمۡ فَلَقَٰتَلُوكُمۡۚ فَإِنِ ٱعۡتَزَلُوكُمۡ فَلَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ وَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَمَ فَمَا جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمۡ عَلَيۡهِمۡ سَبِيلٗا ٩٠﴾ [النساء: 90]

} و اگر الله بخواهد، آنان را بر شما مسلط می کند، تا با شما پيکار کنند] {نساء : [90و می فرمايد :

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا شَيَٰطِينَ ٱلۡإِنسِ وَٱلۡجِنِّ يُوحِي بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ زُخۡرُفَ ٱلۡقَوۡلِ غُرُورٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُۖ فَذَرۡهُمۡ وَمَا يَفۡتَرُونَ ١١٢﴾ [الأنعام: 112]

}و اگر پروردگارت می خواست، چنين نمی کردند پس آنان را با آنچه افترا می زنند رها کن] {انعام .[112 :چهارم :ايمان به اين که همۀ کائنات با ذات، و صفات، و حرکات خود، آفريدهٔ الله تعالی هستند .پروردگار متعال می فرمايد :

﴿ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ ٦٢﴾ [الزمر: 62]

}الله آفريدگار همه چيز است، و او بر همه چيز نگهبان است] {زمر [62 :و می فرمايد :

﴿ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا ٢﴾ [الفرقان: 2]

}و همه چیز را آفریده است و اندازۀ هر چیز را .چنان که مناسبش می باشد .تدبیر نموده است] {فرقان [2 :و به نقل از پیامبرش ابراهیم علیه الصلاة والسلام فرموده که خطاب به قومش گفت :

﴿وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ وَمَا تَعۡمَلُونَ ۝٩٦﴾ [الصافات: 96]

}و حال آنکه الله،] هم [شما و] هم [آنچه را انجام میدهید، آفریده است {]صافات.[96 :

و ایمان به قَدَر .چنانکه توصیف نمودیم .منافی این نیست که بنده هم در کارهای اختیاری اش، دارای مشیت و قدرتی باشد؛ زیرا هم شرع و هم واقعیت دال بر اثبات آن است.

اما شرع :الله تعالی دربارۀ مشیت بنده می فرماید :

﴿ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلۡحَقُّۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ مَـَٔابًا ۝٣٩﴾ [النبأ: 39]

}پس هرکس که بخواهد راه بازگشتی به سوی پروردگارش برگزینند] {نبا [39 :و می فرماید:

﴿نِسَآؤُكُمۡ حَرۡثٞ لَّكُمۡ فَأۡتُواْ حَرۡثَكُمۡ أَنَّىٰ شِئۡتُمۡۖ وَقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُم مُّلَٰقُوهُۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ۝٢٢٣﴾ [البقرة: 223]

} پس هر گونه که میخواهید به کشتزار خود درآیید] {بقره [223 :و دربارۀ قدرت می فرماید :

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ وَٱسۡمَعُواْ وَأَطِيعُواْ وَأَنفِقُواْ خَيۡرٗا لِّأَنفُسِكُمۡۗ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ۝١٦﴾ [التغابن: 16]

}پس تا جایی که در توان دارید تقوای الله را پیشه سازید و بشنوید و اطاعت کنید] {تغابن [16 :و می فرماید :

﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ٢٨٦﴾ **[البقرة: 286]**

}الله هیچ کس را جز به اندازۀ توانش تکلیف نمی کند .آنچه] از خوبی [به دست آورده به سود او، و آنچه] از بدی [به دست آورده به زیان اوست{ بقره .[286 :اما دلالت واقع :هر انسانی می داند که دارای مشیت و قدرتی است که با آن انجام می دهد، و با آن ترک می کند، و میان آنچه با ارادۀ خودش انجام می دهد مانند راه رفتن، و آنچه بدون اراده اش رخ می دهد مانند لرزش دستانش اتفاق می افتد، فرق می گذارد، اما مشیت و قدرت بنده همه با مشیت و قدرت الله تعالی رخ می دهند؛ زیرا الله تعالی می فرماید :

﴿لِمَن شَآءَ مِنكُمۡ أَن يَسۡتَقِيمَ٢٨ وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٢٩﴾ **[التكوير: 28-29]**

}برای کسی از شما که بخواهد راه راست در پیش گیرد * و شما] چیزی را [نمی خواهید، مگر آنکه پروردگار جهانیان] اراده کند و [بخواهد{ تکویر [29-28 :و برای آنکه همۀ هستی در مالکیت الله تعالی است، پس هیچ چیز در ملک او بدون علم و مشیتش رخ نمی دهد.

ایمان به تقدیر . به این شکل که توصیف نمودیم . برای بنده هیچ بهانه ای برای ترک واجبات یا انجام گناهان فراهم نمی سازد، و استدلال او به تقدیر] برای انجام گناهان و ترک واجبات [از چند وجه اشتباه است:

نخست :این سخن حق تعالی که می فرماید:

﴿سَيَقُولُ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَآ أَشۡرَكۡنَا وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمۡنَا مِن شَيۡءٖۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ حَتَّىٰ ذَاقُواْ بَأۡسَنَاۗ قُلۡ هَلۡ عِندَكُم مِّنۡ عِلۡمٖ فَتُخۡرِجُوهُ لَنَآۖ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَخۡرُصُونَ١٤٨﴾ **[الأنعام: 148]**

} کسانی که شرک ورزیدند خواهند گفت :اگر الله می خواست، نه ما شرک می آوردیم و نه پدرانمان و] همچنین [چیزی را] خودسرانه [تحریم نمی کردیم .کسانی که پیش از آنان بودند نیز همین گونه] پیامبران خود را [تکذیب کردند تا عذاب ما را چشیدند] .ای پیامبر، به این مشرکان [بگو :آیا] دانش و [دلیلی نزدتان هست که آن را برای ما آشکار کنید؟] در حقیقت، [شما جز پندار] از چیزی [پیروی نمی کنید و جز دروغ نمی گویید] {انعام [148 :و اگر تقدیر برای آنان حجتی پذیرفته شده بود، الله آنان را عذاب نمی داد .دوم :این سخن الله تعالی است که می فرماید :

﴿رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ١٦٥﴾ [النساء: 165]

}پیامبرانی] فرستادیم [که بشارت بخش و بیم دهنده بودند تا برای مردم پس از]بعثت [پیامبران، در مقابل الله] هیچ بهانه و [حجتی نباشد؛ و الله همواره شکست ناپذیرِ حکیم است] {نساء [165 :و اگر تقدیر برای مخالفان] امر الهی [حجت بود با ارسال پیامبران نیز منتفی نمی شد؛ زیرا مخالفت پس از ارسال پیامبر نیز بر اساس تقدیر الهی رخ داده است .سوم :آنچه بخاری و مسلم . و این لفظ بخاری است . از علی بن ابی طالب . رضی الله عنه . روایت کرده اند که پیامبر . صلی الله علیه وسلم . فرمودند» : کسی از شما نیست مگر آنکه جایگاهش در دوزخ یا در بهشت نوشته شده است«، پس مردی از میان جمع گفت :آیا به همین تکیه نکنیم ای رسول الله؟ فرمود» :نه، تلاش کنید زیرا برای هر کس میسر است«، سپس این آیات را تلاوت کرد :

﴿فَأَمَّا مَنۡ أَعۡطَىٰ وَٱتَّقَىٰ ٥﴾ [الليل: 5]

}پس آنکه عطا کرد و تقوا پیشه ساخت] {...لیل [5 :و در یکی از الفاظ مسلم آمده است» :زیرا هر کس برای آنچه آفریده شده توفیق می یابد«، بنابراین پیامبر . صلی الله علیه وسلم . امر به تلاش نمودند، و از تکیه کردن به تقدیر نهی کردند .چهارم :الله تعالی بندگان را امر و نهی کرده است، و آنان را جز به اندازۀ توانشان تکلیف نداده است . الله تعالی می فرماید:

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ وَٱسۡمَعُواْ وَأَطِيعُواْ وَأَنفِقُواْ خَيۡرٗا لِّأَنفُسِكُمۡۗ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ١٦﴾ [التغابن: 16]

} پس تا جايی که در توان دارید تقوای الله را پیشه سازید، و بشنوید و اطاعت کنید] {تغابن [16 :و می فرماید:

﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ٢٨٦﴾ [البقرة: 286]

}الله هیچ کس را جز به اندازۀ توانش، تکلیف نمی دهد] {بقره [286 :و اگر بنده مجبور بود به آنچه که توان خلاصی از آن را ندارد مکلف شده بود، و این باطل است؛ برای همین است که بنده اگر از روی جهل یا فراموشی، یا اجبار؛ مرتکب معصیت شود، گناهی برای او نوشته نمی شود؛ زیرا او معذور است.

پنجم :تقدیر الله تعالی رازی است سر به مهر که کسی به آن آگاه نمی شود مگر پس از وقوعش، و ارادۀ بنده برای کاری که می خواهد انجام دهد پیش از آن کار اتفاق می افتد؛ و ارادۀ او بر اساس دانش او از تقدیر نیست، پس استدلال او به تقدیر منتفی است؛ زیرا بنده نمی تواند به آنچه نمی داند استناد کند.

ششم :ما می بینیم که انسان برای به دست آوردن هرچه در این دنیا برایش مناسب است تلاش می کند؛ تا به آن دست می یابد، و هرگز به سوی آنچه آن را مناسب خود نمی بیند مایل نمی شود تا بعد از آن تقدیر را بهانه کند؛ حال چرا در امر دینش آنچه به سود اوست را ترک می کند و به سوی آنچه به زیانش است روی می آورد و تقدیر را بهانه می کند؟ آیا هر دو امر یکی نیست؟!

بگذارید برای توضیح مثالی بیاورم:

اگر در برابر انسان دو راه باشد که یکی به سرزمینی منتهی می شود که همه اش آشوب و هرج و مرج و قتل و راهزنی و تجاوز و ترس و گرسنگی است، و دیگری به سرزمینی می رسد پر از نظم و امنیت و رفاه و احترام به جان و ناموس و مال مردم، او کدام راه را برمی گزیند؟

قطعا راه دوم را برخواهد گزید که به سرزمین نظم و امنیت منتهی می شود، و هرگز امکان ندارد که عاقلی سرزمین آشوب و ترس را انتخاب کند، و سپس بگوید تقدیرم این بود، پس چرا دربارهٔ امر آخرت، راه دوزخ را برمی گزینند و راه بهشت را رها می کند و سپس تقدیر را بهانه می کند؟ مثالی دیگر :بیمار را می بینیم که به او می گویند این دارو را مصرف کن؛ و او هم دارو را مصرف می کند، در حالی که آن را دوست ندارد، و او را از خوردن غذایی که برایش مضر است باز می دارند؛ و او نیز دست از آن غذا می کشد، در حالی که دوستش دارد، و همهٔ اینها برای به دست آوردن شفا و سلامتی است، و ممکن نیست که از نوشیدن دارو دست بکشد، یا غذای مضر را بخورد، و سپس به تقدیر استدلال کند، حال چگونه است که انسان آنچه را الله و پیامبرش به او امر کرده اند انجام می دهد، و آنچه را نهی کرده اند انجام می دهد، سپس تقدیر را بهانه می کند؟ هفتم :همان کسی که به بهانهٔ تقدیر واجبی را ترک می کند یا حرامی را انجام می دهد، اگر کسی به او دست درازی کند، و مالش را بردارد، یا حرمتش را زیر پا بگذارد، سپس تقدیر را بهانه کند، و بگوید :مرا سرزنش نکن چون این دست درازی ام به تقدیر الهی بود، این استدلال را از او نمی پذیرد، چگونه است که او استدلال به تقدیر را برای کسی که به او دست درازی کرده نمی پذیرد، اما در زیر پا نهادن حق الله تعالی برای خودش به تقدیر استناد می جوید؟!

روایت است که سارقی را به نزد امیر المومنین عمر بن الخطاب . رضی الله عنه . آوردند که مستحق قطع دست بود، پس امر کرد تا دست او را قطع کنند، پس او گفت : دست نگه دار ای امیر مومنان که من به تقدیر الله دزدی کرده ام !عمر گفت :ما هم به تقدیر الله دست تو را قطع خواهیم کرد.

ایمان به تقدیر ثمرات بس گرانبهایی دارد، از جمله:

نخست :تکیه کردن به الله تعالی هنگام انجام اسباب، آنطور که تنها به خود سبب اتکا نمی کند؛ زیرا هر چیز بنا بر تقدیر الله تعالی است.

دوم :انسان در صورت رسیدن به هدفش دچار عجب و غرور نمی شود؛ زیرا حصول آن را نعمتی از سوی الله می داند که اسباب خیر و موفقیت را فراهم ساخته، اما خودپسندی و اِعجاب به خود، باعث می شود شکر این نعمت را فراموش کند.

سوم :آرامش و آسودگی درونی برای تقدیرهای الهی که بر وی می گذرد؛ و دیگر نه برای از دست رفتن آنچه می خواهد ناراحت می شود؛ و نه برای پیش آمدن آنچه دوست ندارد؛ زیرا همۀ این به تقدیر الله بوده که مالک آسمانها و زمین است، و قطعا رخ می داد .الله تعالی در این باره می فرماید:

﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ أَن نَّبۡرَأَهَآۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٢٢ لِّكَيۡلَا تَأۡسَوۡاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ ٢٣﴾ [الحديد: 22-23]

} هیچ آسیبی در زمین و یا در وجود شما روی نخواهد داد، مگر آنکه پیش از ایجادش، در دفتر] علم الهی [رقم خورده است .به راستی که این کار، بر الله آسان است] * این نکته را تذکر دادیم [تا بر آنچه از دستتان می رود افسوس نخورید و به آنچه به دست می آورید سرمست نگردید که الله هیچ متکبرِ فخرفروشی را دوست ندارد] {حدید[23-22 :، و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ می فرماید» :عجیب است کار مؤمن که همۀ امورش خیر است، و این برای کسی نیست جز برای مؤمن؛ اگر خوشی به او رسد شکر می کند، پس برایش خیر خواهد بود و اگر زیانی به او رسد صبر پیشه می کند، و] باز [برایش خیر خواهد بود.«

در این باره دو طایفه به گمراهی رفته اند:

یکی از آنها جبریه اند، یعنی آنان که گفتند :بنده در اعمال خود مجبور است، و اراده و قدرتی ندارد.

دوم :قَدَریه که گفتند :بنده در کاری که انجام می دهد از نظر اراده و قدرت مستقل]از الله [است، و مشیت الله تعالی و قدرت او اثری در کار بنده ندارد.

پاسخ طائفۀ نخست) جبریه (با شرع و واقع است:

بر اساس شرع :الله تعالی برای بنده اش اراده و مشیت را ثابت دانسته، و عمل او را به او نسبت داده است .الله تعالی می فرماید:

﴿وَلَقَدۡ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥٓ إِذۡ تَحُسُّونَهُم بِإِذۡنِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلۡتُمۡ وَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ وَعَصَيۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَآ أَرَىٰكُم مَّا تُحِبُّونَۚ مِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلدُّنۡيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَۚ ثُمَّ

صَرَفَكُمۡ عَنۡهُمۡ لِيَبۡتَلِيَكُمۡۖ وَلَقَدۡ عَفَا عَنكُمۡۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٥٢﴾ [آل عمران: 152]

} برخی از شما خواهان دنیا بودند و برخی خواهان آخرت] {آل عمران[152 :، و می فرماید :

﴿وَقُلِ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَن شَآءَ فَلۡيُؤۡمِن وَمَن شَآءَ فَلۡيَكۡفُرۡۚ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمۡ سُرَادِقُهَاۚ وَإِن يَسۡتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَآءٖ كَٱلۡمُهۡلِ يَشۡوِي ٱلۡوُجُوهَۚ بِئۡسَ ٱلشَّرَابُ وَسَآءَتۡ مُرۡتَفَقًا ٢٩﴾ [الكهف: 29]

}بگو] :این قرآن [حق است از سوی پروردگارتان، پس هر کس می خواهد ایمان بیاورد، و هرکس می خواهد کافر گردد] {کهف[29 :، و می فرماید :

﴿مَّنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَسَآءَ فَعَلَيۡهَاۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٤٦﴾ [فصلت: 46]

}هر کس که کار شایسته ای انجام دهد، پس به سود خود اوست، و هر کس بدی کند، پس به زیان اوست، و پروردگار تو هرگز به بندگان ستم نمی کند] {فصلت : 46].

بر اساس واقع :هر انسانی تفاوت میان کارهای اختیاری که بر اساس اراده اش انجام می دهد مانند خوردن و نوشیدن، و خرید و فروش، و آنچه بدون اراده اش رخ می دهد مانند لرزش در پی تب، و سقوط از پشت بام را می داند .او در موارد نخست فاعل است و از روی اراده اش نه از روی جبر انجامش داده، اما در موارد دوم غیر مختار است، و در آنچه برایش رخ داده اراده ای نداشته.

اما پاسخ طائفهٔ دوم) قَدَریه (نیز بر اساس شرع و واقع است:

بنابر شرع :الله تعالی خالق هر چیز است، و هر چیز بر اساس مشیت او به وجود آمده، و الله تعالی در کتابش بیان نموده که کارهای بندگان نیز بر اساس مشیت او رخ می دهد .الله تعالی می فرماید :

﴿۞ تِلۡكَ ٱلرُّسُلُ فَضَّلۡنَا بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۘ مِّنۡهُم مَّن كَلَّمَ ٱللَّهُۖ وَرَفَعَ بَعۡضَهُمۡ دَرَجَٰتٖۚ وَءَاتَيۡنَا عِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَيَّدۡنَٰهُ بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِۗ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقۡتَتَلَ ٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ وَلَٰكِنِ ٱخۡتَلَفُواْ فَمِنۡهُم مَّنۡ ءَامَنَ وَمِنۡهُم مَّن كَفَرَۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقۡتَتَلُواْ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يُرِيدُ ٢٥٣﴾ [البقرة: 253]

}و اگر الله می خواست، کسانی که بعد از آنها آمدند پس از آن] همه [نشانه های روشنی که برایشان آمد، با یکدیگر نمی جنگیدند؛ ولی] با هم [اختلاف کردند و برخی از آنان ایمان آوردند و برخی کفر ورزیدند؛ و اگر الله می خواست،] هرگز [با هم نمی جنگیدند؛ ولی الله آنچه را می خواهد، انجام می دهد] {بقره[253 :، و می فرماید:

﴿وَلَوۡ شِئۡنَا لَأٓتَيۡنَا كُلَّ نَفۡسٍ هُدَىٰهَا وَلَٰكِنۡ حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ مِنِّي لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ ١٣﴾ [السجدة: 13]

} و اگر می خواستیم به هرکس هدایتش را می دادیم، و لیکن سخن) و وعدۀ (من حق است، که جهنم را از جنیان و آدمیان همگی پُر می کنم] {سجده.[13 :

اما از نظر عقلی :همۀ جهان در مالکیت الله تعالی است، و انسان نیز بخشی از این جهان است؛ پس در مالکیت الله است، و ممکن نیست که مملوک در ملک مالک تصرف کند مگر به اذن و مشیت او.

*

اهداف عقیدۀ اسلامی

هدف در لغت بر چند معنا اطلاق می شود، از جمله» :آنچه برای تیراندازی قرار داده می شود، و هر چیزی که مقصود است.«

اهداف عقیدۀ اسلامی همان مقاصد و غایات با ارزش آن است که در صورت تمسک به آن، به دست می آید .این اهداف پرشمار است و گوناگون، از جمله:

اولا :خالص گرداندن نیت و عبادت تنها برای الله تعالی؛ زیرا او خالق است و شریکی ندارد، پس واجب است که قصد و عبادت تنها برای او باشد.

ثانیا :آزاد گرداندن عقل و اندیشه از آشوب ناشی از تهی بودن دل از این باور؛ زیرا آنکه دلش از این باور درست خالی باشد یا به طور کلی از هر عقیده ای خالی است و ماده پرست است، و یا در هزارتوی عقاید گمراه و باورهای خرافی سرگردان است.

ثالثا :آسایش درونی و فکری، آنطور که روان و اندیشه اش دچار نا آرامی نمی شود؛ زیرا این عقیده مؤمن را به خالقش مرتبط می سازد؛ و به پروردگاری او و مدبر بودن، و حاکم و قانونگذار بودنش خشنود است؛ پس دلش به تقدیر او آرام می یابد، و سینه اش برای اسلام فراخ می گردد؛ و به جای آن هیچ جایگزینی نخواهد خواست.

رابعا :سلامت قصد و عمل از هرگونه انحراف در عبادت الله تعالی یا در رفتار با خلق؛ زیرا از بنیان های او ایمان به پیامبران است که پیروی از آنان را در خود دارد و پیروی از آنان به سلامت هدف و عمل منجر می شود.

خامسا :جدیت در امور، آنطور که به امید پاداش الهی فرصت هیچ عمل نیکی را از دست نمی دهد؛ و هیچ موضع گناهی را نمی بیند مگر آنکه از ترس مجازات الهی از آن دوری می کند؛ زیرا یکی از بنیان های باور او ایمان به رستاخیز و پاداش و جزای اعمال است.

الله تعالی می فرماید :

﴿وَلِكُلّٖ دَرَجَٰتٞ مِّمَّا عَمِلُواْۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعۡمَلُونَ١٣٢﴾ [الأنعام: 132]

}و برای هر یک در برابر آنچه انجام داده اند درجاتی است، و پروردگارت از آنچه انجام می دهند؛ غافل نیست] {انعام [132 :و پیامبر . صلی الله علیه وسلم . به این هدف تشویق نموده و می فرماید» :مؤمن قوی بهتر و نزد الله دوست داشتنی تر از مؤمن ضعیف است، و در هر یک خیر است .برای آنچه به سودت است حریص باش، و از الله یاری بجوی، و اظهار عجز نکن، و اگر مصیبتی به تو رسید نگو اگر چنین کردم چنان می شد، بلکه بگو :الله تقدیر نمود و هر چه بخواهد می کند؛ زیرا» اگر «دروازۀ کار شیطان را می گشاید «مسلم آن را روایت کرده است .ششم :ایجاد یک امت قوی که هر چیز باارزش و کم ارزشی را برای ترسیخ دینش می بخشد، و از آنچه در راه الله به او می رسد ابایی ندارد .الله تعالی در همین باره می فرماید :

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ١٥﴾ [الحجرات: 15]

}مؤمنان] حقیقی [کسانی هستند که به الله و پیامبرش ایمان آورده اند، و] لحظه ای در ایمانشان [تردید نکردند و با مال و جانشان در راه الله به مبارزه برخاستند؛ ایناننند که] در اعتقاد و عمل [صداقت دارند] {حجرات .[15 :سابعا :دست یابی به سعادت دنیا و آخرت با اصلاح افراد و گروه ها، و دست یابی به پاداش و گرامی داشت الهی .الله تعالی در این باره می فرماید :

﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٧﴾ [النحل: 97]

}هر کس . مرد یا زن . که کار نیک کند و مؤمن باشد، قطعاً او را] در دنیا [به زندگانی پاک و پسندیده ای زنده می داریم و] در آخرت نیز [بر اساس نیکوترین] طاعت و [کاری که می کردند، به آنان پاداش می دهیم] {نحل.[97 :

اینها برخی از اهداف عقیدۀ اسلامی است .از الله خواهانیم که این اهداف را برای ما و همۀ مسلمانان محقق سازد، چرا که او بخشنده و گرامی است والحمدلله رب العالمین.

درود و سلام الله بر پیامبر ما محمد و بر همۀ آل و آصحاب او باد.

پایان یافت، به قلمِ

محمد بن صالح العثیمین

*

فهرست

ننشر الإسلام بأكثر من 100 لغة

موسوعة القرآن الكريم
QuranEnc.com

موسوعة تضم تفاسير وتراجم موثوقة لمعاني القرآن الكريم

موسوعة الأحاديث النبوية
HadeethEnc.com

موسوعة تضم ترجمات للأحاديث النبويـــة وشروحها بعدة لغـات

موسوعة المصطلحات الإسلامية
TerminologyEnc.com

موسوعة تضم ترجمات المصطلحات الإسلاميـــة وشروحها بعدة لغـــات

منتقى المحتوى الإسلامي

موسوعة تضم المنتقى من المحتوى الإسلامي باللغات

IslamHouse.com

مرجعيــة مجانيــة إلكترونية موثوقة للتعريف بالإســلام

جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات

جمعية الدعوة وتوعية الجاليات بالربوة

Rabwah

نبذة في العقيدة الإسلامية